

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الغدیر همراہ

جلد سوم

(غدیرہ سرایان)

قرن پنجم تا دوازدہم ہجری قمری

مؤلف:

علامہ عبدالحسین امینی نجفی

گزینش و ترجمہ

سید ابراہیم سید علوی



انشارات نباء

سرشناسه	: امینی، عبدالحسین، ۱۲۸۱-۱۳۴۹
عنوان قراردادی	: الغدير فی الكتاب و السنه و الادب. فرسی. برگزیده.
عنوان و نام پدیدآور	: الغدير همراه / مؤلف عبدالحسین امینی نجفی؛ گزینش و ترجمه سیدابراهیم سیدعلوی
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه فرهنگی نیا، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	: ۹۷ ص. ۳۸۰۰۰ ریال
شابک	: ۱-۳۲-۰۳۶۴-۶۰۰-۹۷۸ ج ۳
وضعیت	: فیبا
یادداشت	: کتاب حاضر ترجمه، گزینش و انتخاب کتاب «الغدير» اثر عبدالحسین امینی است.
مدرجات	: واقعه غدیر
موضوع	: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ سال قبل از هجرت - ۴۰ ق - اثبات خلافت
موضوع	: غدیر خم
شناسه افزوده	: سید علوی، سیدابراهیم، ۱۳۱۸ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره	: BP ۲۲۳/۵۴ الف ۸ غ ۴۰۴۲۱۴۶ ۱۳۹۳
رده‌بندی دیوبی	: ۲۹۷/۴۵۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۷۳۴۴۱



انتشارات نیا

الغدير همراه (جلد ۳) (غدیریه سرایان)

قرن پنجم تا دوازدهم هجری قمری

علامه عبدالحسین امینی نجفی

گزینش و ترجمه: سیدابراهیم سیدعلوی

ویراستار: عبدالحسین فخاری

حروفچینی و صفحه‌آرایی: چکاد

لیتوگرافی: ندا گرافیک / چاپ: دالاهو / صحافی: صالحانی

چاپ: اول ۱۳۹۳ / شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه / قیمت: ۳۸۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نیا / تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از خیابان بهارشیراز،

کوچه مقدم، نبش ادیبی، پلاک ۲۶، طبقه سوم

تلفکس: ۷۷۵۰۶۶۰۲ - ۷۷۵۰۴۶۸۳

شابک: ۱-۳۲-۰۳۶۴-۶۰۰-۹۷۸

فہرست

- ۷..... پیش سخن.....
- ۹..... قرن پنجم.....
- ۹..... سی و ششم: شریف رضی.....
- ۱۰..... غدیر یہ:.....
- ۱۰..... سی و ہفتم: ابو محمد صوری.....
- ۱۱..... غدیر یہ او:.....
- ۱۲..... سی و ہشتم: مہیار دیلمی.....
- ۱۴..... سی و نہم: شریف مرتضی.....
- ۱۶..... چہل: ابو علی بصیر نیشابوری.....
- ۱۷..... چہل و یکم: ابوالعلا معری.....
- ۱۷..... غدیر تہ او:.....
- ۱۷..... چہل و دوم: مؤید فی الدین.....
- ۲۰..... چہل و سوم: ابن جبری مصری (۴۲۰-۴۸۷).....
- ۲۱..... قرن ششم.....
- ۲۱..... چہل و چہارم: ابوالحسن فنجکردی.....
- ۲۲..... چہل و پنجم: ابن منیر طرابلسی.....
- ۲۳..... غدیر یہ او:.....
- ۲۴..... چہل و ششم: قاضی ابن قادوس.....
- ۲۵..... غدیر یہ او:.....
- ۲۵..... چہل و ہفتم: ملک صالح.....
- ۲۶..... غدیر یہ او:.....
- ۲۸..... چہل و ہشتم: ابن عودی نیلی.....
- ۲۹..... چہل و نہم: قاضی جلیس.....
- ۳۱..... پنجاہ: ابن مکی نیلی.....
- ۳۱..... غدیر یہ او:.....
- ۳۲..... پنجاہ و یکم: خطیب خوارزمی.....
- ۳۲..... غدیر یہ او:.....
- ۳۲..... پنجاہ و دوم: فقیہ عمارہ یمنی.....
- ۳۳..... غدیر یہ او:.....
- ۳۳..... پنجاہ و سوم: سید محمد اقسامی.....
- ۳۴..... غدیر یہ او:.....

- ۳۴..... پنجاه و چهارم: قطب الدین راوندی.....
- ۳۵..... غدیریه او:.....
- ۳۶..... پنجاه و پنج: سبط ابن تعاونی.....
- ۳۶..... غدیریه او:.....
- ۳۷..... قرن هفتم.....
- ۳۷..... پنجاه و هشتم: منصور بالله.....
- ۳۷..... غدیریه او:.....
- ۳۸..... پنجاه و هفتم: مجدالدین ابن جمیل.....
- ۳۹..... غدیریه او:.....
- ۳۹..... پنجاه و هشتم: شوآ کوفی حلی.....
- ۴۰..... غدیریه او:.....
- ۴۰..... پنجاه و نهم: کمال الدین شافعی.....
- ۴۱..... غدیریه:.....
- ۴۱..... شصت: ابومحمد منصور بالله.....
- ۴۲..... شصت و یکم: ابوحسین جزآر.....
- ۴۴..... شصت و دوم: قاضی نظام الدین.....
- ۴۴..... غدیریه:.....
- ۴۴..... شصت و سوم: شمس الدین محفوظ.....
- ۴۵..... غدیریه:.....
- ۴۶..... شصت و چهارم: بهاء الدین اربلی.....
- ۴۶..... غدیریه:.....
- ۴۷..... قرن هشتم.....
- ۴۷..... شصت و پنجم: ابومحمد ابن داود حلی.....
- ۴۷..... غدیریه ابن داوود:.....
- ۴۸..... شصت و ششم: جمال الدین خلطی یا خلیعی.....
- ۴۸..... غدیریه:.....
- ۴۹..... شصت و هفتم: سرجی اوالی.....
- ۴۹..... غدیریه اوالی:.....
- ۵۰..... شصت و هشتم: صفی الدین حلی.....
- ۵۰..... غدیریه:.....
- ۵۱..... شصت و نهم: امام شیبانی شافعی.....
- ۵۲..... هفتاد: شمس الدین مالکی و غدیریه او.....
- ۵۳..... غدیریه او:.....
- ۵۳..... هفتاد و یکم: علاء الدین حلی.....
- ۵۳..... غدیریه ها:.....
- ۵۵..... قرن نهم.....
- ۵۵..... هفتاد و دوم: ابن عرندس حلی.....

- ۵۶..... هفتادوسوم: ابن داغر حلی
- ۵۷..... هفتادوچهارم: حافظ برسی حلی
- ۵۷..... غدیریه:
- ۵۸..... هفتادوپنج: ضیاءالدین هادی
- ۵۹..... غدیریه:
- ۵۹..... هفتادوششم: حسن آل ابی عبدالکریم
- ۶۱..... قرن دهم
- ۶۱..... هفتادوهفتم: شیخ کفعمی
- ۶۲..... هفتادوهشتم: عزالدین عاملی
- ۶۵..... قرن یازدهم
- ۶۵..... هفتادونهم: ابن ابی شانین بحرانی
- ۶۵..... غدیریه او:
- ۶۶..... هشتاد: زین الدین حمیدی
- ۶۷..... هشتادویکم: بهاءالملة والدين
- ۶۹..... هشتادودوم: حرفوشی عاملی
- ۶۹..... غدیریه:
- ۷۰..... هشتادوسوم: ابن ابی الحسن عاملی
- ۷۱..... غدیریه:
- ۷۱..... هشتادوچهارم: شیخ حسین کرکی
- ۷۲..... هشتادوپنجم: قاضی شرف الدین
- ۷۳..... هشتادوششم: ابوعلی اُنسی
- ۷۳..... غدیریه او:
- ۷۴..... هشتادوهفتم: سید شهابالدین موسوی حویزی
- ۷۵..... غدیریه:
- ۷۵..... هشتادوهشتم: سیدعلی خان مشععی
- ۷۶..... غدیریه:
- ۷۷..... هشتادونهم: سید ضیاءالدین یمنی
- ۷۷..... غدیریه:
- ۷۸..... نود: ملامحمدطاهر قمی
- ۷۸..... غدیریه فارسی:
- ۷۸..... غدیریه عربی:
- ۷۹..... معنی غدیریه عربی:
- ۷۹..... نودویکم: قاضی جمالالدین مکی
- ۸۰..... غدیریه:
- ۸۰..... نودودوم: ابومحمدابن شیخ صنعان
- ۸۲..... قرن دوازدهم

- ۸۲..... نودوسوم: شيخ حر عاملی.....
- ۸۳..... نودوچهارم: شيخ احمد بلادی.....
- ۸۳..... غدیریه:.....
- ۸۴..... نودوپنجم: شمس الأدب یمنی.....
- ۸۴..... غدیریه:.....
- ۸۵..... نودوششم: سیدعلی خان مدنی.....
- ۸۶..... غدیریه:.....
- ۸۷..... نودوهفتم: شيخ عبدالرضا مقری کاظمی.....
- ۸۷..... غدیریه:.....
- ۸۹..... نودوهشت: علم الهدی محمد.....
- ۹۰..... نودونهم: شيخ علی عاملی.....
- ۹۱..... یکصد: ملا مسیحای فسوی.....
- ۹۱..... یکصدویکم: ابن بشاره غروی.....
- ۹۱..... غدیریه:.....
- ۹۲..... یکصدودوم: شيخ ابراهیم بلادی.....
- ۹۳..... یکصدوسوم: شيخ ابومحمد شویکی.....
- ۹۴..... یکصدوچهارم: سیدحسین رضوی.....
- ۹۵..... غدیریهها و مدایح او:.....
- ۹۵..... یکصدوپنجم: سید بدرالدین محمدبن حسین.....
- ۹۶..... غدیریه:.....

پیش سخن

خدایا! حمد و ثنا تو را می‌سزد ای دارندهٔ نعمت‌های
بزرگ و دامنه‌دار.

و ستایش تو را است در برابر ولایت و سرپرستی که تو بر
ما داری و بر ولایت محمد صلی الله علیه و آله و بر ولایت عترت طاهره،
والیان امر و متصدیان امر تو.

خدایا از تو مسئلت دارم بر محمد و آل او درود فرستی و
رازهای درون سینه‌مان را سامان بخشی و اصلاحمان فرمایی.
و ما را با ایمان نیکو، به کار بگیری و در خدمت به جامعه و
فراخوانی به حق و حقیقت و حرکت به دنبال مصالح عمومی
و بالابردن کلمه توحید و پخش و نشر آثار بزرگان و سروران
امت، دست ما را بگیری و توفیق من جز از تو نیست و به تو
توکل کردم و برگشتم به سوی توست.

الامینی

قرن پنجم

سی‌وششم: شریف رضی

ابوالحسن محمدبن ابی احمد سید شریف رضی از اولاد امام موسی کاظم علیه السلام، مادرش فاطمه دختر حسن اطروش از فرزندان و نسل امام علی علیه السلام و پدرش ابواحمد از بزرگان صاحب مقام و منزلت در زمان عباسیان و آل بویه که نقابت طالبیان در پنج نوبت به او واگذار شده است.

شریف رضی افتخاری است از افتخارات عترت طاهره و پیشوایی است از پیشوایان دانش و حدیث و ادبیات؛ کمتر کتابی که در ترجمه و بیان احوال علما یافت می‌شود که در آن ذکری از شریف رضی به میان نیامده باشد. بعضی دانشمندان نیز به‌طور مستقل درباره کتاب او نوشته‌اند^۱

علّامه امینی از چهارده استاد و نه شاگرد برجسته او نام

برده است.

نهج البلاغه از آثار ماندگار اوست که در کنار قرآن مجید در خانه شیعیان وجود دارد. بیش از یکصد شرح تاکنون بر آن نوشته شده است.

سید شرف رضی در سال ۳۵۹ هـ به دنیا آمده و در سال ۴۰۶ هـ از دنیا رفته و در عمر کوتاه خود، آثار پربراری از خود باقی گذاشته است. از آن جمله است دیوانی دو جلدی که محشون از مدایح و مرثیاتی اهل بیت است.

غديره:

نطق اللسان عن الضمير و البشر عنوان البشير
و انجابت الظلماء عن وضح الصباح المستنير...
زبان از ژرفای دل، سخن گفت و چهره باز عنوان
مژده‌دهنده است و با درخشش و نور روز روشن، تاریکی
برطرف شد...

آن سرور و شادمانی ما که در روز غدیر رخ نمود، از میان
ما رفت؛ همان روزی که علی عليه السلام وصی و جانشین تعیین شد
و لقب امیر یافت...^۱

سوهفتم: ابومحمد صوری

و از نیکان قرن چهارم که تا اوایل قرن پنجم می‌زیسته است و
اشعارش جامع زیبایی از الفاظ بزرگی و برتری معانی است.

۱. دیوان الشریف الرضی، ۴۲۷/۱.

صوری از شاعران و سرایندگانی است که به دامن اهل بیت عصمت، چنگ زده و در مدح و ثنا و رثای آنان فراوان شعر گفته است.^۱

غدیریه او :

ولائک خیر ما تحت الضمیر و انفس ما تمکن فی الصدور
 اباحسن تبین غدر قوم لعهدالله من عهد الغدير...
 یا علی! مهر و ولای تو بهترین امری است که در اعماق و
 ژرفای دل نهفته و نفیس‌ترین راز پنهان در سینه است. من
 همواره از آن مکنون دل و سر پوشیده، احساس گرمی می‌کنم
 که حرارت آن همانند شعله سوزان است.

ای ابالحسن! برای من فریبکاری آن مردم نسبت به عهد و
 پیمان روز غدیر آشکار گردید. در آن هنگام که پیامبر ﷺ به
 سخنرانی ایستاد و مردم را به سوی امیر مؤمنان هدایت کرد. اما
 همان روز غدیر، در سینه‌های آن‌ها کینه‌هایی پدید آمد که
 همان جا آشکار کردند.

و در قصیده‌ای نونیه می‌سراید:

جحدتم موالاة مولیکم و یوم الغدير لها مؤمنوناً...
 موالات مولای خود را انکار کردید در حالی که در روز
 غدیر نسبت به آن اظهار ایمان کردید و شما نسبت به آنچه

۱. تاریخ ابن کثیر، ۲/۲۵۰.

محمد مصطفی ابراز کرد و فضیلت علی را آشکارا بیان فرمود، معرفت نشان دادید و گفتید راضی شدیم، ولی دل‌هایتان رضا نداشت. کدامتان از او به آن مقام ولایت و جانشینی شایسته‌تر بودید و کدامتان به هنگامی که قصد جان پیامبر را داشتند، جان نثار پیامبر کرد و در رختخواب او آرمید؟

در قصیده‌ای دیگر:

مالم یکن من معشر غَدَروا و قد شهدوا الغدیرا...
 چه نیرنگی از آن جماعت سر نزد در حالی که در غدیر
 حضور داشتند اما توطئه کردند که برخلاف نصّ غدیر، با
 سینه‌ای پر از عقده و کینه، برای خود امیر برگزیدند.
 صوری در سال ۴۱۹ هـ در گذشته است.

سی‌وهشتم: مهیار دیلمی

ابوالحسن مهیار دیلمی از نشان‌های رفیع ادبیات عرب و از سرایندگانی است که اساس ادب را پی ریخته و کاخ آن را برافراشتند؛ او توسط شریف رضی اسلام را برگزید و در کنار او زیسته است.^۱

او به سال ۳۶۸ هـ متولد و به سال ۴۲۸ هـ وفات یافته است.^۲

۱. رک: دیوان مهیار دیلمن، مقدمه ناشر.

۲. تاریخ بغداد، ۲۷۶/۳

از مزایای مهیار آن است که برخلاف رسم شاعران معاصر، خلفای عباسی را هرگز نستوده با آنکه پس از سید رضی زمان زیادی در قید حیات بوده و نشان فرهنگی داشته است.

اشعار او بیشتر دربارهٔ اهل بیت پیامبر و مراثی آنان است و در شعرهای مذهبی او روانی منطق و برهان و استدلال، حاکم است. نمونه‌هایی از شعر و غدیریه‌های او:

و أسألهم یوم «خَمٍّ» بعد ما عقدوا له الولاية لم خانوا و لم خلعوا...
 از آنان پرس روز غدیر پس از آنکه پیمان بستند و ولایت علی را پذیرفتند، چرا خیانت کردند و او را کنار گذاشتند؟ بیعت روز غدیر که برای آل محمد علیهم السلام گرفته شده بود، تباه ساختند. گوینده‌ای به من گفت آیا علی علیه السلام که به نص، وارث پیامبر بود، صاحب این مقام گردید؛ یا از او دریغ ورزیدند؟ گفتم مسائلی است که از آن‌ها یاد نمی‌کنم. خدا آن جماعت را در برابر کردارشان جزا دهد. انکار مقام ولایت علی پس از اعتراف، جامه ننگینی بود که بر تن کردند و پس از انحراف از وصایت، به جان تو سوگند، آیین و دین دوّمی، آوردند.

در قصیده‌ای دیگر می‌سراید:

و تحال الأعمار^۱ و الله یدری کیف کانت یوم «غدیر» الحال...
 سرانجام نقاب‌ها کنار می‌روند و خدا داند که حال، در غدیر خم چگونه بود؟

۱. الأعمار: جمع خمر، نقاب.

و در قصیده دیگری نیز می‌سراید:

وهب «الغدیر» ابوا علیه قوله بغياً فقل عدواً سواه مساعياً
فرض کنیم آن جماعت، سخن رسول الله ﷺ را از روی
ستم و تجاوز نادیده گرفتند؛ اما کوشش‌های پیامبر اکرم در
نبرد بدر و احد و حنین و دیگر صحنه‌ها را چه می‌گویند؟ در
نبرد خیبر و مرحب و عمرو بن عبدود فکر کنید و ببندیشید.
و در قصیده‌ای دیگر:

و سماء مولی باقرار من لواتبع الحق لم یجحد
پیامبر ﷺ او را مولا خواند و او بدان اعتراف کرد و اگر از
حق پیروی می‌کرد، منکر نمی‌شد.
و در ستایش علی علیه السلام می‌سراید:

ان یحسدوک فلفرط عجزهم فی المشكلات و لمافیک کمل...
از روی ناتوانی خود و کمالی که تو برخوردار بودی، به تو
حسد ورزیدند. تو داماد و پسرعموی او بودی و آن‌ها وصی و
جانشین برحق نبودند. علم رسول الله ﷺ را تو به ارث بردی.
آفتاب برای تو برگشت. ای صاحب حوض. فردا کسی که
مهر تو را در دل ندارد، از آن آب گوارا محروم و ممنوع باد...

سی‌ونهم: شریف مرتضی

ابوالقاسم سید مرتضی علم‌الهدی، برادر شریف رضی است.
تألیفات علمی او بالغ بر هشتادوپنج اثر می‌شود. قلم را نباید
سرزنش کرد اگر نتواند درباره عظمت وجودی سید مرتضی حق

مطلب را ادا کند و بر هیچ انسان صاحب کلام و سخن مبلغ نکوهشی نباشد، اگر نتواند درباره شخصیت او توسن زبان را به حرکت آورد، که دامنه فضائل و کمالات او بسی گسترده و پر اطراف است. بسیاری از صاحبان رجال کتابها در ستایش او نوشته‌اند که علامه امینی ۴۹ تن از آنان را یاد می‌کند.

علامه امینی رحمته الله علیه در کتاب بزرگ الغدير از چندین استاد برجسته او نام برده، چنانکه از ده‌ها شاگرد نام‌آور او نیز یاد کرده است

ابوالعلا معری دانشمند معاصر او که در عراق درک فیض مجلس او نمود، به هنگام خروج از عراق در پاسخ به این پرسش که سید را چگونه دیدی؟ دو بیت به این مضمون می‌سراید: چون نزد او بیایی، همه مردم جهان را در یک مرد، و روزگار را در یک ساعت، و زمین گسترده را در یک اطاقی یکجا می‌بینی. سید مرتضی ریاست دین و دنیا را یکجا برعهده داشت. او به دانش فراوان دست یافته بود و خاندانی شریف و نسبتی عالی با اهل بیت داشت. خلفای وقت نقابت طالبیان و امارت حاجیان و تصدی مظالم را به او واگذار کرده بودند.

سید مرتضی را صاحب (هشتاد) می‌گفته‌اند؛ به این معنا که کتابخانه نفیس او دارای هشتاد هزار نسخه خطی بوده و محصول هشتاد روستای آباد برای او ارسال می‌شد. سید مرتضی هشتادواندی سال عمر کرد و کتابی به همین عنوان

«ثمانین» یعنی هشتاد نوشته است. او در سال ۳۵۵ هـ به دنیا آمد و در سال ۴۳۶ هـ دیده از جهان فرو بست.
غدیریه او:

اما الرسول فقد ابان و لائه لوکان ینفع حایراً ان ینذرا
لقد شفی یوم الغدیر معاشراً ثلجت نفوسهم و أدوی معشرا
اما رسول خدا ﷺ آشکارا سخن از ولایت علی علیه السلام بیان داشت.
کاش ستمکاران کینه‌توز را هشداری می‌شد و سودی می‌بخشید. ای
سوار اگر از سرزمین نجف گذشتی، در آنجا کوهی می‌بینی که زمین
از او قرار گیرد، به او سلامی کن. من اگر می‌توانستم آن آرامگاه
درخشان را تا زنده‌ام اقامتگاه خود قرار می‌دادم.^۱

چهل: ابو علی بصیر نیشابوری

او از شعرای شیعه و اهل بیت پیامبر بوده است. غدیریه او
شش بیت است که علامه از سماوی نقل کرده است:
اختار یوم الغدیر حیدرة اخاه له فی الوری و آخاه...^۲
پیامبر ﷺ در روز غدیر، حیدر (علی) را در جمع اصحاب
برگزید و برادر خویش قرار داد و با آوردن او و همسرش و به
دنبال ایشان دو نوه‌اش، با مشرکان مباحله کرد و فرمود: اینان پنج
تن هستند که خدا به‌خاطر آنان بر خلق رحم می‌کند و
دعاهایشان را مستجاب می‌گرداند و به آمرزش گناهان امید است.

۱. دیوان سید مرتضی علم‌الهدی ۴۷۱/۱.

۲. الطلیعة فی شعراء شیعه.

چهل و یکم: ابوالعلا معری

ابوالعلا معری در سال ۳۶۳ هـ ولادت یافته و در ۴۴۹ هـ وفات یافته است.^۱

تراجم‌نگاران و شرح‌حال‌نویسان درباره او فراوان نوشته‌اند. شهرت او در حدی بی‌نیاز از بیان است. مقام ادبی او از دیوانش پیدا و بی‌نیاز از اقامه برهان است.

غذیریه او:

لعمرك ما اسرَّ بیوم فطرٍ و لا اضحی و لا بغدیر خمّ
و كم ابدی تشییعه غویّ لأجل تنسّب ببلاد قمّ
به جانت سوگند من نه در روز فطر، نه در روز اضحی، نه
در روز غدیرخم، شاد نیستم. چه بسا آدم گمراهی، تظاهر به
تشیع می‌کند تا خود را به قم منسوب بدارد. چه روشنایی که
چشم کور مادرزاد از آن بی‌بهره است و چه سخنی که گوش
ناشنا آن را در نمی‌یابد و تباه می‌شود...^۲

چهل و دوم: مؤید فی‌الدین

هبه‌الله بن موسی شیرازی، مؤید فی‌الدین، از مبلغان بزرگ
فاطمیان و در علم و دانش و هنر یگانه دوران و تک‌دانه‌ای از
امت مسلمانان در زمان خویش و نابغه‌ای در ادبیات منظوم
بوده است که بهره فراوانی از شعر داشته است. علامه

۱. کتاب الانصاف والتحریر

۲. لزوم ما لا یلزم ۳۱۸/۲.

امینی رحمته در الغدیر بزرگ برخی آثار او را نام برده است و مناظره‌ها و گفت‌وگوهای عالمانه او دلیل مهارت او در معارف اسلامی است.

مؤید در سال ۳۹۰ هـ در شیراز زاده و در سال ۴۷۰ هـ در مصر وفات یافته است.

او غدیره‌های متعدد با قافیه‌های مختلف دارد.

۱. قصیدهٔ شصت و هفت بیتی: با قافیه لام....

لو ارادوا حقیقة الدین کانوا تبعاً للذی اقام الرسول
واتت فیه آیه النص «بلغ» یوم «خم» لَمَا اتی جبرئیل...

اگر حقیقت دین را می‌خواستند از آن امامی پیروی می‌کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله نشان داد و او را به‌پا داشت و آیهٔ صریح «بلغ ما انزل الیک...» که در روز غدیر خم توسط جبرئیل فرو آمد. او همان علی مرتضی است که قرآن به علو و والایی‌اش ناطق است. او در میان مردم برهان خوبی پروردگار و در روی زمین شمشیر آختهٔ اوست. اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ایمن از کوری و ضلالت و برای ما صراط مستقیم و سایهٔ گسترده‌اند.

۲. قصیده‌ای دیگر:

... وصی النبی المصطفی و ابن عمه و من قام «مولی» فی الغدیر و والیا...

من به سبب آل‌طه تبعید و نفی شده‌ام و من هماره از دشمنان آنان دوری گزیده‌ام. من نخستین تبعیدشده در راه

آنان نیستم. این افتخاری است برای من که دومین ابوذر غفاری باشم. اگر در این تبعید، گزندى به من رسد، باشد، در این دردسرها به بعضی آرمان‌هایم رسیده‌ام. گنبد و بارگاه سفید امیرالمؤمنین حیدر را زیارت کردم. او وصی رسول خدا، هادی مردم و جانشین محمد مصطفی و پسرعموی او بود. همان که در روز غدیر خم ولی و مولی تعیین گردید.

۳. قصیده‌ای دیگر:

...و ما تقموا منهم غیر ان وصی النبی علیهم امیر

کما العذر فی غدرهم بعضهم لمن فرض الحب فيه الغدير...

شیعیان! خاندان رسول الله ﷺ از روی ظلم و عدوان کشته می‌شوند و مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند. گناه آنان چیست؟ جز اینکه وصی پیامبر برای ایشان امام و پیشوا است، هم‌چنان‌که پیشینیان نیز به انگیزه بغض آل‌الله به آنان خیانت کرده و مهر علی را که در غدیر خم فرض گردانیده بود، منکر شدند.

ای امت فاسد! شما حسین بن علی علیه السلام را برای دستیابی به سلطنت عراق کشتید. چرا امام موسی بن جعفر علیه السلام که سال‌ها در خاک آرمیده، مورد تعرض قرار دادید.

مویذ این قصیده را در آشوب سهمگین بغداد در سال ۴۳۳ هـ سروده است و ضمن آن، احساس درون خود را از فجایع و جنایاتی که بر اهل بیت رفته است بیان می‌کند. مؤید

دارای آثار علمی نیز می‌باشد. علامه امینی رحمته الله علیه ۱۳ اثر از وی نام برده است!^۱

چهل و سوم: ابن جبری مصری (۴۲۰-۱۴۸۷)

او از شاعران قرن پنجم هجری است، که در عهد خلفای فاطمی در مصر می‌زیسته است. او قصیده‌ای یکصد بیتی دارد. علامه امینی آن را آورده است. در این قصیده مراتب ولایت موج می‌زند. برخی ابیات آن به قرار زیر است:

و غدرت بالعهد المؤکد عقده یوم «الغدیر» له فما عذراک
 أعن الوصی عدلت عادلة به من لا یساوی منه شسع شوک
 عذر تو در شکستن آن پیمان همواره مؤکد روز «غدیر»
 چیست؟ و چه نیرنگی به کار بردی و از وصی چشم پوشیدی
 و به کسی روی کردی که با بند کفش او هم برابری نتواند
 کرد. خواهی دید که تو به دوران جاهلیت بازگشتی و درباره
 ولایت حیدر «علی بن ابی طالب»، سؤال خواهی شد. اقیانوس
 مواج علم و دانش را به شخص عاری از هر علم و دانش
 قیاس کردی!

علامه امینی رحمته الله علیه از غديریه سرایانی نام می‌برد که معاصر
 قرن پنجم بوده‌اند. اما به دلیل نامعلوم بودن از بیان شرح حال
 آنها صرف نظر کرده است.

۱. الکامل، ابن اثیر ۲۱۵/۹.

قرن هشتم

چهل و چهارم: ابوالحسن فنمکردی

علی بن احمد فنمکردی نیشابوری، در سال ۴۳۳ هـ زاده شد و در سال ۵۱۳ هـ در گذشت. او از استادان پیشرو در ادب و لغت است. تراجم‌نگاران او را به داشتن علم و هنر ستوده‌اند. علامه امینی نیز غدیریه‌هایی از او آورده است.

لا تنکرن غدیر خمّ آنه کالشمس فی اشراقها بل اظهر...
غدیرخمّ را انکار مکن که مانند آفتاب درخشان، بلکه آشکارتر از خورشید است. واقعه‌ای که با سندی قوی از بهترین انسان‌ها نقل شده است، قابل انکار نیست. در آن حدیث (غدیر) امامت و جانشینی علی حیدر و جلالت او تا روز قیامت استوار گردید. سزاوارترین کسی که باید دوست داشت و بر ولایت او اقرار نمود، و احکام را باید از او آموخت.

وی در قصیده دیگری می‌سراید:

یوم الغدیر سوی العیدین لی عید یوم یسرّ به السادات و الصید
نال الامامة فیه المرتضی وله فیه من الله تشریف و تمجید...
روز غدیر برای من افزون بر آن دو عید (فطر و اضحی)،
عیدی بزرگ است. روزی است که در آن همه سادات و
سروران سربلند و شادمانند. در آن روز علی مرتضی به امامت
رسید و خداوند برای او شرافت و مجد لحاظ کرد.
«احمد»، بهترین رسولان، در روز غدیر در حضور همگان
فرمود: سپاس خدا را، سپاسی بی پایان که تمام احسان از او و
لطف نیکی ها برای اوست.

چهل و پنجم: ابن منیر طرابلسی

ابوالحسن احمد بن منیر ملقب به عین الزمان و مشهور به وفا،
حافظ قرآن و یکی از پیشوایان ادبیات و در صنعت شعر در
رتبه ای والا قرار دارد. او از کسانی است که درباره اهل بیت
شعر بسیار و نیکو و قصیده‌هایی طلایی سروده است. او
همچنین در لغت‌شناسی و سایر علوم هم تبخّر داشته است.
همین امر نام و یاد او را جاویدان و حسد و کینه
بدخواهان را علیه او برانگیخته است.^۱
او در سال ۴۷۳ هـ در طرابلس متولد شده و در ۵۴۸ هـ در
حلب وفات یافته است.^۲

۱. تاریخ ابن عساکر ۲/۹۷.

۲. ابن خلکان.

غدیریه او :

پیشتر باید به داستان نظم این غدیریه پرداخت: ابن منیر یک هدیه همراه برده‌ای سیاه نزد سید مرتضی علم‌الهدی فرستاد. سید مرتضی به وی نوشت: اگر عددی کمتر از یک و رنگی برتر از سیاه سراغ داشتی آن را برای من می‌فرستادی!

ابن منیر سوگند یاد کرد که این‌بار بهترین هدایا را با عزیزترین کسانش بفرستد، پس هدایایی ارزشمند فراهم کرد و همراه با غلام خود به نام تتر که بسیار دوستش می‌داشت و در مواقع غم و غصه، او را شاد می‌گرداند، فرستاد. سید مرتضی پنداشت که آن غلام نیز جزو هدایاست و او را نگاه داشت. حال ابن منیر سخت شد و از جدایی تتر دلش گرفت و قصیده‌ای ساخت که بدان وسیله چاره‌جویی کند و غلامش تتر را از سید بازپس بگیرد. ابن منیر در آن قصیده تهدید کرد که اگر غلام را پس ندهد از همه معتقدات و مسلمات تشیع دست خواهد کشید و عقیده ضدّ برخواهد گزید. وقتی سید این قصیده را خواند لبخندی زد و گفت غلامش را زیاد نگاه داشته‌ایم او معذور است آنگاه با هدایایی او را پس فرستاد پس جمله‌ها و فعل‌های منفی همه‌اش از باب ناز و دلال و راه جستن به دل سید بوده و چه لطیف سروده است.

... لَسِنَّ الشَّرِيفِ المَوْسَوِی ابْنِ الشَّرِيفِ اَبِی مَضْر

اَبْدِی الْجَحُوْدِ و لَمْ یَرِدْ اَلِیَّ مَمْلُوْکِی تَتْر...

اگر شریف سید مرتضی موسوی فرزند شریف ابی مضر به کارش ادامه دهد و بنده من تتر را پس نفرستد. من بنی امیه را دوست خواهم داشت و بیعت علی بن ابی طالب حیدر را منکر خواهم شد و به عمر عدول خواهم کرد و ظهور منتظر را هم قبول نخواهم داشت.

و اذا رَوُوا خبر «الغدیر» اقول ما صحّ الخبر...

و اگر حدیث خم را روایت کنند، خواهم گفت خبری صحیح نیست! و روز غدیر را عید نخواهم گرفت جامه های کهنه و فرسوده پوشیده و خواهم گفت در میان اصحاب شیخ، قبیله تیم، و پس از او صاحب او عمر مقدمند و اصلاً علی علیه السلام در راه اسلام شمشیر نکشیده و هرگز کسی فاطمه علیها السلام را از میراثش محروم نکرده و گویم یزید شراب نخورده و گناه مرتکب نشده و فرمان قتل اولاد فاطمه نداده است. در اصل شمر، حسین را نکشته و ابن سعد نیرنگ به کار نبرده است!...
این قصیده دارای سی و نه بیت است.

چهل و هشتم: قاضی ابن قادوس

قاضی جلال الدین ابوالفتح محمود فرزند قاضی اسماعیل دمیاطی مصری یکی از صرافان ادب و بیان و از پیشتازان میدان شعر، برندگان در مسابقه شعر و کلام منظوم و از نویسندگان بلند پایگان مسند قضا و از علویان بوده است. وی به سال ۵۵۱ در گذشته است.

غدیریه او:

والحائز المقصیات فی یوم «الغدیر» الازهر...
 ای سرور همه خلیفگان بیابانی (روستایی) و شهری. اگر ساقی
 حاجیان را بزرگ می‌دارند، تو ساقی کوثری، تو امام علی مرتضی؛
 تو در روز قیامت شفیع ما هستی تو مولی و برگزیده خدا «احمد»
 و پدر حسن و حسین هستی تو در روز درخشان غدیر، گویی
 پیش بردی و گوی سبقت را از دیگران ربودی. و تو بودی که
 آتش آشوب‌های بدر و بنی‌نضیر و خیبر را خاموش ساختی.

چهل و هفتم: ملک صالح

ملک صالح از شیعیان امامیه عراق است. خدا، دین و دنیا را
 برای او جمع کرده بود. او ضمن بهره‌مندی از علم و دانش،
 فقیهی برجسته و صاحب شعر و ادیبی زیبا سخن بود و در
 عین حال از سلطنتی عادلانه نیز برخوردار بوده است. کتاب‌های
 تراجم در بیان سراینده‌گی او به این حقیقت اذعان دارند. ابن
 اثیر می‌نویسد: او در سال ۵۵۶ هـ در ماه رمضان به قتل رسیده
 است.^۱ ولادت ملک صالح در سال ۴۹۵ هـ بوده است. شرح
 حال ملک صالح در بسیاری از کتب رجالی آمده است که
 علّامه امینی رحمته الله علیه از ۱۶ اثر او نام می‌برد.

۱. الکامل، ابن اثیر ۱۰۳/۱: تاریخ ابن خلکان ۲۵۹/۱ و غیره.

علّامه امینی رحمته الله اشعاری با مضمون مدح و رثای اهل بیت از وی نقل کرده است.

ولایتی لأمیر المؤمنین علی بها بلغت الذی ارجوه من املی
ان کان قد انکر الحساد رتبه فی جوده فتمسک یاخی به «هل»
با ولایت امیر المؤمنین علی علیه السلام به آرمان‌هایم رسیده‌ام. اگر
حسودان مقام و منزلت او را در وجود و بخشش انکار
می‌کنند، ای برادر! تو به سوره‌هل اتی، دست آویز.

غديریه او:

و یوم «خَمّ» و قد قال النبی له بین الحضور و شالت عضده یدُه
من کنت مولاً هذا له مولی اتانی به امر یؤکده
من کان یخذله فالله یخذله او کان یعضده فالله یعضده...
و روز غدیر خَمّ پیامبر صلی الله علیه و آله در حضور همه با دست خود
بازوی او را گرفت و بالا برد و گفت هر که را من مولا بوده‌ام،
این (علی) مولای اوست. این فرمان با تأکید از سوی خدا آمده
است. هر کس او را خوار کند خدا وی را خوار می‌کند و هر
کس او را یاری نماید خدا وی را یاری فرماید.
سپس فضایی از علی علیه السلام را یاد کرده است.

در قصیده دوم :

و فی «الغدير» له الفضل الشهير بما نص النبی له فی مجمع حفل
در روز غدیر خَمّ برای او (علی بن ابی طالب) به سخن
صریح پیامبر در میان انبوه جمعیت، فضیلتی مشهور است.

قصیده سوم:

دارای چهل و چهار بیت است، نیز سروده است:
 اوصی النبی الیه لا الی احد سواه فی خمّ و الاصحاب فی علن
 فقال هذا وصیّ و الخلیفة من بعدی و ذوالعلم بالمفروض والسنن...
 پیامبر ﷺ در روز غدیر خم از میان همه اصحاب به او، نه به
 دیگری، وصیت کرد و فرمود: این (علی)، وصی و جانشین بعد
 از من است و علم و فرائض و سنن در نزد او است. همگان
 گفتند شنیدیم. اما وقتی که پیامبر رحلت کرد، فریب کاری کردند.
 در حالی که هنوز احمد پاک را به خاک نسپرده بودند.

در قصیده چهارم:

... و لعمری اذحلّ فی یوم خمّ لم یکن موصیاً لغير الوصی
 من شیعه امام علی ام با دشمنان او در جنگ و با دوستانش
 در صلح هستم.

من شیعه آن امامی هستم که در طول عمرش بر منکری
 نیل نکرد. من بنده صاحب حوض هستم که دوستانش را با
 کاسه آب گوارا سیراب می کند.

من بنده آن انسانی هستم که هر مشکلی را آسان و آشکار کرد،
 هرچند به نظر سخت و لاینحل می نمود. آن روزی که پیامبر ﷺ
 بدون تردید او را به برادری برگزید. به خدا سوگند در «لیلة المبيت»
 رختخواب، کسی جز علی برای پیامبر ﷺ جان نثاری نکرد.

و به جانم سوگند وقتی وارد غدیر خم شد در آن روز به
 احدی جز او وصیت نفرمود.

چهل و هشتم: ابن عودی نیلی

ابوالمعانی سالم بن علی از شاعرانی است که اشعارشان مشهور، اما اخبارشان ناگفته مانده است. او ستاره‌ای از ستارگان آسمان ادب و همانند حمیری و دیگر شاعران اهل بیت، اشعار مذهبی‌اش فراوان است. نیلی در سال ۴۷۸ هـ تولد و در سال ۵۸۸ هـ وفات یافت. او غدیریه مفصلی بالغ بر یکصد و پنجاه بیت دارد که علامه امینی رحمته الله علیه آن را در الغدیر بزرگ آورده است و آن قصیده درواقع مشحون از تاریخ و سیره و کلام است. به چند بیت از آن اشاره می‌شود:

... و قد نصّها يوم «الغدیر» محمد و قال الا ایها الناس فاعلموا
فقد جائتی فی النصّ: بلغ رسالتی و ها انا فی تبلیغها المتکلم
علیّ و وصیّی فاتبعوه فانّه إمامکم بعدی اذا غبت عنکم

محمد صلی الله علیه و آله ولایت علی علیه السلام را در روز غدیر خم تصریح کرد و فرمود: ای مردم بدانید در این خصوص، نص و آیه‌ای صریح آمد که من رسالت خود را انجام دهم و اکنون در تبلیغ آن سخن می‌گویم. علی وصی و جانشین من است، پیرو او باشید که پس از من، او پیشوا و امام شماست. آن روز گفتند خشنودیم اما فردای آن روز گمراه گشتند و بیراهه رفتند. گفتیم شما ای جماعت! خطا رفتید چگونه وصی محمد مصطفی مورد ستم قرار می‌گیرد. اما پیمان شکسته شد و خون‌ها جاری گردید.

قصیده‌ای دیگر:

نص الولاية و الخلافة بعده يوم الغدير له برغم اللوم...
 نص صريح ولايت و خلافت و جانشینی در روز
 غدیرِ حرم، علی‌رغم حرکت نکوهش‌گران، برای علی علیه السلام بود.
 پیامبر هادی در آن روز دست به دعا برداشت و آمین گفت که
 پروردگارا! گواه باش. من پیام تو را رساندم. اما رسول‌الله
 دست از جهان شست، آن جماعت، مانند مگسان گرد
 شیرینی، اطراف دیگری را گرفتند. آنانی که به زبان، مسلمان
 شده بودند؛ اما در دل ایمان نداشتند، پیمان شکستند و
 حکومت را میان خود تقسیم کردند.

چهل‌ونهم: قاضی جلیس

عبدالعزیز بن حسین معروف به قاضی جلیس از شاعران و
 کاتبان پیشرو در مصر و از ندیمان و هم‌صحبتان ملک صالح
 بوده است.

علامه امینی رحمته الله در الغدير قصایدی نسبتاً طولانی در مدح
 امیر المؤمنان و رثای پنجمین آل‌عبا آورده است. ما نیز چند
 بیتی را زینت‌بخش صفحات کتاب می‌کنیم:

پدرشان وصی و جانشین محمد مصطفی است که وارث
 علم و دانش پیامبر شد. ستون دین و شرع را پس از آنکه به
 کژی افتاد، راست کرد و پایه دین را که فرو می‌ریخت، استوار

ساخت. پیامبر ﷺ او را مولای مسلمانان خواند؛ لیکن برخی حسودان برنرفتند.

و لوی غدیره «الغدیر» بحقه و اعقبه البعیر و اتباعا...
در روز غدیرخیم فریب و نیرنگ‌بازی را در دل خود نگاه
داشتند و در روز جمل آن را دنبال کردند.

در قصیدهٔ دوم:

جحدوه عقد ولایة قد غرّ جاحده الغرور

غدروا به حسداً و بنصّه شهد «الغدیر»...

پیمان ولایت او را برخی مغروران، انکار کردند و از روی
حسد، و با وجود نص و حضور شاهدان بسیار، نیرنگ‌بازی
نمودند و آن افتخاری را که خدا و رسول مختص او گردانده
بودند، از وی دریغ کردند.

ای امت! اگر یهود با گوساله گمراه شدند شما هم با شتر
گمراه گشتید...

در قصیدهٔ سوم:

... نصّ النبی علیه فی «الغدیر» فما زواه إلاظنن دینه واه

مهر من به آل رسول، مرا از هر گناهی باز می‌دارد، که آنان
ذخیره و آبروی من هستند. ای شیعیان حق، وفادار باشید و
بدان وسیله برای هرکه بخواهید فخر و مباهات کنید. اگر من
به ریسمان ابی‌الحسن چنگ زنم، به ریسمان الهی چنگ زده‌ام.
او همسر بتول است که اگر نبود، پیشوایان هادی نیز نبودند.

پیامبر ﷺ در روز غدیر بانص و صراحت او را خلیفه معرفی کرد، آن را نادیده نگرفت مگر آن بی‌ایمانی که دینش، سست و بی‌اساس بود... او به سال ۵۶۱ درگذشت.

پنجاه: ابن مکی نیلی

سعیدبن احمد مکی نیلی مؤدب از سرشناسان شیعه و شاعران زیباکلام و فانی در مهر و محبت اهل بیت عصمت و طهارت است. ابن مکی در مذهب خود ثابت قدم بود و در مدح و ستایش خاندان رسول ﷺ شعر فراوان سروده و حقایقی را به زبان نظم کشیده است. به همین سبب او را غالی دانسته‌اند، در حالی که او انسانی بسیار معتدل بوده است.

غدیریه او:

ألم تعلموا أنّ النبی محمداً
 حیدرة اوصی و لم یسکن الرمسا
 و قال لهم و القوم فی «خَم» حضر
 ویتلو الذی فیہ و قد همسوا همسا...
 آیا ندانستید که محمد پیامبر ﷺ هنوز از دنیا نرفته بود در
 غدیر خم، به علی حیدر وصیت کرد و او را در حضور آن
 جماعت، جانشین خود معرفی فرمود؛ در حالی که برخی با
 یکدیگر، آرام صحبت می‌کردند. پیامبر ﷺ فرمود: علی نسبت
 به من همانند دگمه پیراهن من است، و همانند هارون نسبت
 به موسی مرا یاری‌کننده می‌باشد...
 ابن مکی در سال ۵۶۵ هـ وفات کرده است.

پنجاه و یکم: فطیب خوارزمی

حافظ ابو مؤید مشهور به اخطب خوارزم، فقیهی دانشمند، حافظ نامی، محدث صاحب اسناد مختلف، سخنور پرآوازه، متکلم و آگاه از سیره و تاریخ، شاعری ادیب بوده است. علامه امینی رحمته الله علیه سی و پنج تن از مشایخ روائی او را نام برده است، چنان که از شاگردان برجسته اش نیز یاد کرده به آثار تألیفی او از جمله المناقب هم اشارت دارد.

غدیریه او:

... حدیث براءة و غدیر خمّ و رایة خیبر فصل الخطاب...
 آیا بر روی زمین خاکی پیشوای پاک و جوانمردی مانند ابوتراب وجود دارد؟ حدیث اعلام برائت از مشرکین و ولایت در غدیر خمّ و حدیث پرچم در خیبر، آخرین سخن اند. پیامبر و علی علیه السلام مانند موسی و هارون اند. همه مردم پوستند و علی مفر است و ولایت او مانند گردن بندی بر گردن همه آویخته است.

خطیب خوارزمی در سال ۴۸۴ هـ متولد و در ۵۶۸ هـ درگذشته است.

پنجاه و دوم: فقیه عماره یمنی

فقیه نجم الدین ابو محمد عماره از فقهای شیعه امامیه و از مدرسان و مؤلفان که در راه تشیع شهید شده است. او آراسته

به علم، فضل، هنر، ادب و شعر می‌باشد. آنگاه که او شعر می‌سراید، تو نمی‌دانی آیا او مروارید در نخ می‌چیند و یا زر ناب در قالب موزون می‌ریزد!

فقیه عماره دارای تألیفات علمی و ادبی است که علامه امینی به چهارده مورد آن اشاره دارد. کتاب «النکت العصرية فی اخبار الوزراء المصرية» حاوی تاریخ و ادب است. عماره در سال ۵۱۳ هـ متولد و در ۵۶۹ هـ به قتل رسیده است.

غدیریه او:

ولائک مفروض علی کل مسلم و حبک مفروط و افضل مغنم
ولای تو بر هر مسلمانی، فرض و واجب است و محبت
تو بهترین غنیمت می‌باشد.

و الارض تهتز فی یوم الغدير كما تهتر ما بين قسریک من الاسل
و زیمن در روز غدیر تکان می‌خورد آن‌گونه که میانه دو
قصر شما در برخورد نیزه‌ها و شمشیرها می‌لرزد.

پنجاه و سوم: سید ممد اقساسی

او از فرزندان و نسل زید شهید فرزند امام زین‌العابدین علیه السلام است. خاندان اقساسی در اصل، از خاندان بزرگ علویان‌اند، که در روستا یا منطقه‌ای از کوفه سکنی داشته‌اند و دارای شاخه‌های فراوان از نسل رسول خدا هستند. در میان آن‌ها

افراد فقیه، شاعر، لغوی، امیر، محدث و دانشمند نیز پدید آمده‌اند.

سید محمد اقساسی در سال ۵۷۵ هـ درگذشته و آثاری از او باقی است.

غدیری۹۱:

ومن قام فی یوم «الغدیر» بعضده نبی الهدی حقاً فاسئل به عمر
و صهر رسوا لله فی بنته التی علی فضلها انزل الآی و السور...
سوگند به حق، علی علیه السلام پس از پیامبر بهترین انسانی است
که پس از پیامبر بر زمین گام نهاد و افتخارآمیزترین بندگان
است. او خلیفه و جانشین برحق پیامبر و وارث دانش است
که به وسیله آن‌ها مضر و عدنان شرف پیدا کرده‌اند.
آن کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر، بازوی او را گرفت و
بلند کرد. اگر می‌خواهی از عمر بپرس. علی علیه السلام همان
شخصی است که همه بت‌ها را شکست و از سرانجام آن
نهراسید و در حالی که دیگران زمانی طولانی بت می‌پرستیدند.
او همان داماد رسول الله است و همسر دخترش آن بانوی
بافضیلتی که آیه‌ها و سوره در شأن او نزول یافته است...

پنجاه و چهارم: قطب‌الدین راوندی

قطب‌الدین ابوالحسن سعدبن هبة الله راوندی، از پیشوایان و
بزرگان مذهب شیعه و چشم و چراغ طائفه محقه و یگانه‌ای

از استادان فقه و حدیث و نابغه‌ای از مردان میدان دانش و ادب بوده که کمتر کسی به گردپای او رسیده است. علامه امینی بیست و چهار تن از مشایخ او را نام برده و تنی چند هم از شاگردانش را یاد کرده و تعدادی از تألیفات وی را برشمرده است.

قطب راوندی در سال ۵۷۳ هـ درگذشته و در جوار حضرت معصومه در قم دفن شده است.

غدیریه او:

... تتاسوا ما مضی بغدیر خمّ فادرکهم بشقوتهم هبوط...
 فرزندان زهرا علیها السلام پدران یتیمانند و وقتی نابخردان با ایشان برخورد کنند. سلام گویند. آنان حجت‌های خدا بر خلقتند و هر که با آنها دشمنی ورزد گناهکار است.

روزهایشان، روزه و شب‌هایشان با عبادت و تهجد سپری شده است.

ألم يجعل رسول الله يوم غدیر علیاً الأعلیٰ اماما...
 آیا رسول خدا او را در روز غدیر خمّ، امام و پیشوا معرفی نکرد؟ آیا حیدر علیه السلام آقا و سرور نبود. و آیا حیدر بهترین جایگاه را ندارد؟

دیگران، آنچه را که در غدیر خمّ گذشته، فراموش کردند و به سبب همین شقاوت، سقوط کردند.

پنجاه و پنجم: سببا ابن تعاویذی

محمد بن عبدالله بغدادی معروف به ابن تعاویذی به سال ۵۱۹ هـ متولد و ۴۱۶ هـ در گذشته است.

نامبرده از شاعران برجسته شیعه و از یگانه نویسندگان و منشیانی است که خطه عراق با ادبیات شعری آنان خرم و با آثار ادبی‌شان شاداب است.

غدیریه او:

... و طویت الاحزان فیه و لم اُبدَ سروراً فی یوم عید الغدیر
 طومار غم و اندوه را در او پیچیدم و هرگز در روز غدیر
 سرور و شادی آشکار نکردم... او در این قصیده‌هایش همانند
 قصیده ابن منیر (تتریّه) به شیوه ضلال و دلالت با ممدوح خود
 به سخن پرداخته و معانی مقلوب مطرح ساخته است.

قرن هفتم

پنجاه و هشتم: منصور بالله

ابوالحسن منصور بالله از سادات حسنی و یکی از پیشوایان زندیه در سرزمین یمن بوده است که شرافت خانوادگی را با برتری‌های اکتسابی، همراه ساخته و به علم و دانش آراسته بود. او فضیلت قلم و سلحشوری را یکجا گرد آورده و پیشوای مذهبی در یمن گشته است. او در زمره شاعران، بلکه شاعرترین مبلغان آن مذهب در آن خطه به‌شمار است. نامبرده در سال ۵۶۱ هـ به دنیا آمده و در سال ۶۱۴ هـ از دنیا رفته است.

علّامه امینی بیست و پنج اثر از وی، در موضوعات فقه، اصول، کلام، حدیث، مذهب، و ادب را ذکر می‌کند.

غدیریّه او:

بنی عنما ان یوم الغدیر یشهد للفارس المعلم
ابونا علیّی وصی الرسول و من خصّه باللّوا الاعظم...

ای پسر عموها! روز غدیر گواه سواری نشاندار است. پدر ما علی ابن ابی طالب علیه السلام وصی و جانشین رسول خدا است، که به لوا و پرچم بزرگ، مخصوص گشته است. شما اگر با انتساب به او، توسط ابن عباس فخر می‌فروشید، ما از گوشت و خون او هستیم.

فعدن عن منازل و التصابی و هات لنا حدیث «غدیر خم»
از منزلت‌ها و سخنان کودکانه در گذر و برای ما از حدیث
غدیر خم سخن بگو.
شاعر، در این قصیده با بنی‌عباس و شاعران آنان، طرف
است.

پنجاه و هفتم: مه‌الدین ابن جمیل

ابو عبدالله محمد بن منصور جمیل جبائی (م: ۶۱۶)، نویسنده، شاعر و ادیب ماهری بود. برای او در لغت، ادب و هنر و شعر، مقامی بلند است. او در زمان «الناصر» به پست خزانهداری، که مانند وزارت دارایی امروزه بود، رسید. ولی مبعوض شد و به مدت بیست‌سال زندانی گردید و شفاعت اکابر دولت مفید واقع نشد. سرانجام به یاد آورد که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را مدیحه سراید و چنان کرد و خوابید. علی علیه السلام در رؤیا به او فرمود: هم‌اکنون از حبس آزاد می‌شوی. او بیدار شد و باروبنه‌اش را بست و به حاضران گفت من الان آزاد می‌شوم. زندانیان در شگفت بودند

که بیچاره عقلش را از دست داده است. لیکن هم‌زمان، ناصر هم، چنان رؤیایی دیده و امیرالمومنین سه‌بار تأکید کرده بود که مجدالدین را آزاد کن. علامه امینی رحمته‌الله قصه را به تفصیل از چند نسخه خطی حکایت کرده است. این مدیحه همین غدیریّه اوست.

غدیریّه او:

... و من اعطاه یوم «غدیرخّم» صریح‌المجد و الشرف‌التقدّامی...
و علی آن کسی است که پیامبر در روز غدیرخّم مجد خالص و شرف‌کهن به او داد و او همان بزرگواری است که خورشید برای او برگردانده شد، پس از آنکه تاریکی فضا را پوشانده بود. او بود که از خودگذشتگی کرد و سه بار پیایی طعام خود را که قرص نان جوینی بود، بخشید و خود با نمک خالی، گذراند. ای اباحسن! تو جوانمردی هستی که هر پناه‌جویی تو را بخواند پناهش دهی.

پناه‌وهشتم: شَوْءِ کوفی مَلّی

ابوالحسن یوسف‌بن اسماعیل کوفی حلبی از نابغه‌های شعر و ادب بوده و فضیلت‌ها از هر سو به او رو آورده بود. دوست او ابن خلکان به شرح احوال او پرداخته و دیگران هم از بیان خوبی‌ها و هنرهایش باز نمانده‌اند، شَوْءِ در صنعت عروض و قافیه مهارت تمام داشته و مجموعه سروده‌های او در چهار

مجلد می‌گنجد. تاریخ ولادت او را به ۵۶۲ هـ و وفاتش را سال ۶۳۵ هـ نوشته‌اند.

غديره او:

... اخو النصّ الجلیّ بیوم «خم» و ذوالفضل المرتّل فی الكتاب من، آن کسی را که وصی و جانشین محمد ﷺ را دوست بدارد، از عذاب دوزخ ضمانت می‌کنم؛ که در آن روز پروردگار را بخشنده و آمرزنده و علی را شفاعت‌کننده خواهد دید.

[علی] جوانمردی که کرم و اُبّهت‌اش از کرانه‌ها گذشته پناهگاهی محکم و محضری سبز و پرناز و نعمت دارد. هر گاه در راه خدا شمشیر برکشد، آن تیغ در برابر ابرها برق زند. او وصی و جانشین محمد مصطفی و پدر فرزندان اوست، و در میان اصحاب، تنها او افتخار همسری فاطمه پاک را دارد و بس؛ و او برادر [پیامبر] به نصّ صریح غدیر است که فضائلش در قرآن تلاوت می‌شود.

پنجاه و نهم: کمال‌الدین شافعی

ابوسالم کمال‌الدین محمدبن طلحه در گذشته به سال ۶۵۲ هـ پیشوا در فقه شافعی، آشنا به حدیث و اصول و مسائل خلافی است. او در نیشابور حدیث می‌شنیده و سپس در مدرسه

امینیه دمشق، اقامت گزید و ملک ناصر، حاکم دمشق، برای او حکم وزارت نوشت، لیکن او نپذیرفت.

کمال‌الدین اشعار فراوانی درباره اهل بیت دارد که زینت بخش کتب است. کتاب مطالب السؤل، که مدایح و فضایل اهل بیت را دربردارد، از اوست. اربلی، معاصر او، در کشف الغمه، وی را ستوده است. اشعار او در ادبیات دینی می‌درخشد.

علّامه امینی رحمته الله علیه پنج اثر وی را نام برده است.

غدیریه:

... و شرفه یوم «الغدیر» فخصّه بأنک مولی کل من کنت مولاه
و لو لم یکن الا قضیه خیبر کفت شرفاً فی مآثرات سجایاه
و روز غدیر او را شرف بخشید و به‌طور خاص به او
فرمود: تو مولای کسانی هستی که من مولای آنها هستم. اگر
برای او جز ماجرای خیبر نبود، در اخلاق و خصلت‌های
پسندیده‌اش، کافی بود.

شخصت: ابومحمد منصور بالله

حسن بن محمد یمنی، از پیشوایان بزرگ شیعیان زیدیه در سرزمین یمن است. یگانه‌ای از سرشناسان بزرگ آنها که در میدان دانش حدیث و فنون مناظر آن، برای او دایره‌هایی با شعاع بزرگ و گام‌هایی وسیع و گسترده وجود دارد.

ابومحمد در سال ۵۹۶ هـ متولد و در سال ۶۷۰ هـ درگذشته است.^۱ از جمله آثار او ارجوزه ای است طولانی در هفتصد و هشت بیت از آن را برگزیده‌ایم:

وقال فيه المصطفى انت الوليِّ و مثله انت الوزير و الوصيِّ
 و كم قال له: انت اخي فايهم قال له مثل علي؟
 و هل سمعت بحديث مولي يوم «الغدیر» و الصحيح اولي
 الم يقل فيه الرسول مولا لم يبق للمخالفين حولا...

محمد مصطفی درباره او جمله‌های «انت الولی»، «انت الوزير» و «انت الوصی» و «انت اخي» بیان فرمود و به چه کس همانند علی این گونه فرموده است؟

آیا حدیث مولی را در روز غدیر شنیده‌ای؟ آیا رسول خدا در آن حدیث سخنی نگفت که راه و چاه را بر مخالفان بست؟ مراد از «مولی» اولی و سزاوار است.

او در این ارجوزه تمام مناقب و فضائل علی عليه السلام را که در قرآن و احادیث معتبر آمده، برشمرده است. خدا به او پاداش دهد.

شصت و یکم: ابومسین جزار

یحیی بن عبدالعظیم ابوالحسین جزار مصری از شاعران فراموش شده شیعه است. گرچه در کتب سلف و معجم‌ها شرح حال او ذکر نشده یا کمتر آورده‌اند، لیکن در عوض،

۱. وفات او در شهر رغافه از شهرهای صعده اتفاق افتاده است.

خود او شرح احوال مفصل را به قلم آورده و ابعاد هنر و فضل خویش را در آن نمودار ساخته است.

نامبرده در سال ۶۰۱ هـ متولد و در ۶۷۲ هـ در مصر وفات یافته است. علامه امینی رحمته الله علیه غدیریه او را از یک نسخه کهن خطی با طول و تفصیل آورده و ما چند بیت از آن را زینت بخش کتاب می‌کنیم.

یهنیک یاصهر النبى محمد صلی الله علیه و آله یوم به للطیین هزیز
 انت المقدم فى الخلافة مالها عن نحو مابک فى الوری تبریز
 صبّ الغدير على الألی جحدوا لظی یوعی لها قبل القیام ازیز
 ان یهمزوا فى قول احمد انت مولی للوری فالهامز المهموز

ای داماد محمد پیامبر خدا ای علی مبارک باد تو را روزی که برای پاکان روز نشاط‌انگیز است.

در امر خلافت و جانشینی، تو مقدم هستی و شرایط آن جز در تو بروز و ظهور نداشت.

غدیر بر سر منکران آتش ریخت تا به امت قیام نکرده، همچون آب دیگ جوشان برایشان می‌جوشد.

اگر در کلام احمد پیامبر صلی الله علیه و آله که به تو فرمود: «ای علی تو مولا و امام مردم هستی» عیب گرفتند عیب‌جو، خود عیب‌ناک است.

شصت و دوم: قاضی نظام الدین

نظام الدین محمد بن قاضی القضاة اسحاق بن مظهر اصفهانی، یکی از ادبای اعیان طائفه امامیه و یگانه در انواع فنون و هنرها و قاضی القضاة عراق است، که در سال ۶۷۸ هـ وفات یافته است.

غدیریه:

غدیریه او چهل و دو بیت است که علامه امینی رحمته الله پانزده بیت آن را در الغدیر بزرگ آورده و از آن جمله است:

یوم الغدیر جری الوادی فطم علی قوی قوم هم کاتوا المعادینا...

در روز غدیر در بیابان، سیلی توانمند راه افتاد که قومی از دشمنان ما را فراگرفت و در زمین پاکیزه ولایت دو شاخه گل و ریحان شکوفه زدند و رشد کردند.

مراد از باران جاری حدیث غدیر است که دشمن آن را برنتافت.

شصت و سوم: شمس الدین ممفوز

او مرکز دایره فقاہت و بر قلّه های بلند علم و ادب، قرار گرفته است. او از کسانی است که بر اریکه زعامت و ریاست دینی، تکیه زده و دارای مرجعیّت فتوایی و گره گشایی مشکلات مردم در دعاوی، و دادگر و دادگستر و پناهگاه در ماندگان بوده است.

محفوظ هم دوره با محقق حلی بود. میان آن دو نامه‌های ادیبانه و منظوم ردوبدل شده است. آل محفوظ در سوریه و عراق نسلی صالح و ماندگار دارند. استاد حسین علی محفوظ در تراجم سرشناسان و اعلام خاندانش، رساله‌ای ویژه نگاشته است. شیخ شمس‌الدین محمود حدود سال ۶۹۰ هجری درگذشته است.

غدیریہ:

ذاک الأمیر لدی الغدیر احو البشیر المستنیر و من له الأنباء...
 اوست امیر منصوب در غدیرخیم، برادر پیامبر بشیر و روشنگر و کسی است که خبرها برای او است.
 او نیاکانی پاک و فرزندان پاکیزه دارد؛ آیا توصیف‌گران می‌توانند به ابعاد مدح و ثنای او دست یابند در حالی که قرآن مدح او را گفته است. او همسری مثل فاطمه داشت که انوارش فراگیر بود بدین جهت زهرا نامیده شد و پیشوایان و امامان از نسل او که مایه سیادت پسینیان و عزت و شرف پیشینیانند و...
 آنگاه او یکایک امامان معصوم تا حضرت قائم علیه السلام را نام می‌برد.

شصت و چهارم: بهاء‌الدین اربلی

بهاء‌الدین ابوالحسن علی ابی‌الفتح اربلی ساکن و مدفون در بغداد، از ستارگان درخشان آسمان علم و فضیلت در قرن هفتم بوده و صاحب اثر جاویدان «کشف الغمه فی معرفه‌الائمہ» می‌باشد. این کتاب در تاریخ زندگانی و بیان فضائل و مناقب عترت است. کشف‌الغمه محتوی احادیث گران‌بهایی است. او خود از محدثان بزرگوار بوده است. اربلی در هنر شعر نیز ید طولائی داشته و در ستایش و مدح امامان سروده‌ها دارد.

علامه امینی رحمته‌الله ۶ نفر از اساتید و مشایخ را ذکر کرده است.

همچنین ۱۵ تن از کسانی که از وی روایت کرده‌اند، را نام می‌برد.

عَدِيرِيه:

حسدوه علی مآثر شتی و کفاهم حقداً علیه العدیر...
حسد بردند به او به سبب فضائل و برتری‌هایش، در
کینه‌ورزی دشمنان به او، حدیث و ماجرای «عَدِيرِخَم» کافی
است.

قرن هشتم

شصت و پنجم: ابومحمد ابن داود حلی

ابومحمد تقی‌الدین علی‌بن داود حلی، نابغه فقه، حدیث، رجال، علوم و فنون متفرقه است، بی‌تردید او از یگانه‌های فرقهٔ ناجیه و از علمای سرشناس امامیه است. کتاب رجال او، در شناخت راویان، از کتاب‌های مرجع می‌باشد. او به سال ۶۴۷ در حله به دنیا آمد.

او نزد سید احمد بن طاووس حلی دانش آموخته، و از طریق استاد سرشناسی دیگر نقل روایت کرده است. نامبرده در سال ۷۴۱ هـ و در سن ۹۴ سالگی رخت از جهان بریست. علامه حلی دارای آثار گران‌قدری است که ۲۹ اثر می‌باشد.

غدیریه ابن داوود:

و اذا نظرت الی خطاب محمد	یوم «الغدیر» اذا استقرّ المنزل
من کنت مولاہ فهذا «حیدر»	مولاہ لا یرتاب فیہ محصل
لعرفت نص المصطفی بخلافه	من بعده غراء لا یتأول

و اگر سخنرانی درخشان محمد ص که پس از استقرار در غدیر خم ایراد فرمود: "هر که را من مولای او بوده‌ام این حیدر مولای اوست و هیچ حق جویی در آن تردید نمی‌کند." نظر و دقت کنی می‌شناسی که حضرت مصطفی به خلافت و جانشینی بعد از خود تصریح کرده و در آن، جای هیچ‌گونه شک و تردیدی نیست. او در ارجوزه مفصل بالغ بر ۶۸ بیت حقایق بسیاری را آشکار کرده است:

لأنتی اعلم مثل الشمس نص الغدير واضحاً عن لبس
 که من می‌دانم و برایم مانند آفتاب روشن است که در
 نص غدير، هیچ ابهامی وجود ندارد

شصت و هشتم: جمال‌الدین خلطی یا فلیعی

ابو الحسن جمال‌الدین موصلی حلّی شاعری شکافنده معانی باریک و از ستایشگران اهل بیت است. شگفت آنکه او نیز همانند حمیری، از پدر و مادر ناصبی متولد شده و علامه امینی رحمته قصه نذر مادر او را به تفصیل آورده است.^۱

غدیریه:

یورد ما جا فی «الغدیر» و ما حدث فیہ عن خاتم النذر...
 آنچه را از پیامبر، خاتم انذارکنندگان، در غدیر آمده،
 روایت می‌کند.

۱. الغدیر، ۹/۶.

آیا من، از خود شما به شما سزاوارتر نیستم؟ هرکه را من مولای او بوده‌ام، اینک حیدر مولای اوست و به دنبال من است. قومی عید غدیر را انکار کردند.

حَبَّذا یوم الغدير یوم عید و سرور...
روز غدیرختم روز عید و شادی است و چه روزی! که مصطفی صلی الله علیه و آله بهترین را امیر شناسانده و فرمود: این وصی من در حضور و غیاب من می‌باشد...

شصت و هفتم: سربچی اوالی

سید عزیزبن محمد حسینی، مردی ادیب، فاضل، جامع و شاعری برجسته بوده است. او در بصره به سال ۷۵ هـ وفات یافته است.

غدیریه اوالی:

و فی «الغدیر» و قد ابدی النبی له مناقباً ارغمت ذالبغضة الشانی
اذ قال من کنت مولاه فانت له مولی به الله یهدی کل حیران...
در روز غدیرختم پیامبر برای علی مناقبی آشکارا بیان فرمود که بینی دشمن بدخواه به خاک مالیده شده آنگاه که گفت: هرکه را که من مولای او بوده‌ام تو مولا و امام او هستی. خدا بدین وسیله هر انسان گمراه را هدایت فرماید.

کیست جز او (علی) که دانش غیبی داشته و بگوید:
پرسید از من قبل از آنکه مرا از دست بدهید و باز نیابید؛ و
کیست جز او که در حرم خدای رحمان ولادت یافت...

شاعر در این قصیده، بخشی از فضائل مولای ما علی
امیرالمؤمنین را، ضمن آنکه به امر ولادت علی در جوف کعبه
اشارت کرده، برشمرده است. علامه به ذکر منابع فراوان
حدیثی و تاریخی آن از طریق شیعه و سنت، بالغ بر ده کتاب
پرداخته، از جمله به کتاب ارزشمند محقق نجف اشرف
محمدعلی اردوباری به نام «ولید کعبه» نیز اشارت نموده است.

شصت و هشت: صفی‌الدین ملی

صفی‌الدین بن عبدالعزیز سننسی از شاعران طراز اوّل عرب
است، که الفاظ سنگین و متین و معانی دقیق و مضامین
شریف را در اشعارش جمع کرده و در یک سخن، اشعار او
محسنات لفظی و مزایای معنوی را درهم آمیخته است.
بسیاری از علما صفی‌الدین را به عظمت یاد کرده و جایگاه او
را در هنر شعر و ادب بالا دانسته‌اند. علامه امینی رحمته الله علیه هم به
آثار گونه‌گون او اشارت دارد.

غدیریه:

و علی ابن عمّک وارث العم الذی ذلّت لسطوة بأسه الشجعان
و اخیک فی یوم «الغدیر» و قد بدی نورالهدی و تأخت الأقران

شاعر در این قصیده پنجاه و هفت بیت، پیامبر اعظم را مخاطب ساخته و ستایش کرده و آنگاه به بیان فضائل علی و فضیلت غدیر پرداخته است:

و سلام بر پسر عموی تو، وارث دانش تو، همان که دلیران از صلابت و شکوهش بر خاک ذلت افتادند و رام گشتند، و برادر تو، در روز غدیر خم نور هدایت ولایت در سیمایش هویدا شد و خدای رحمان به وسیله او مردم را راهنمایی فرمود.

در جای دیگر گوید:

علی و فرزندان او را دوست داشته باش که در روز قیامت و صحنه‌های هولناک آن رهایی خواهی یافت. همان علی که در روز غدیر خم، به نص پیامبر و سخن صریح او، امامتش تثبیت شد.

امام له عقد یوم الغدیر بنصّ النبّی و اقواله پیشوایی که در روز غدیر خم با سخن صریح و دیگر کلمات او، برایش پیمان ولایت بسته شد. صفی‌الدین در سال ۶۷۷ هـ ولادت و در سال ۷۵۲ هـ وفات یافته است.

شخصت ونهم: امام شیبانی شافعی

محمد بن احمد اسوانی اسکندرانی، محدث، فقیه و مفتی شافعی بود. در سال ۷۰۳ قمری به دنیا آمد. گرچه به شاعریت توصیف نشده، لیکن قصیده بزرگی دارد که در کشف‌الظنون

از آن یاد شده و جمعی از سرشناسان شافعی نیز آن را شرح کرده‌اند:

ولاتس صهر المصطفی و این عمّه فقد کان بحراً للعلوم مسدداً
و من کان مولاه النبی فقد غدی علیّ له بالحق مولاً و منجداً
داماد و پسرعمّ مصطفی را فراموش مکن که در دریای
مواج دانش‌ها بود. همان که در شبانگاه توطئه قتل وی
[پیامبر]، جان‌نثاری کرد، و او برای همه کسانی که پیامبر ولی
آنان بود، ولی، امام و یاور گردید.

هفتاد: شمس‌الدین مالکی و غدیریه او

نامبرده در سال ۷۸۰ هـ وفات یافته است. علامه امینی رحمته اشعاری از وی نقل کرده که حاوی مناقب مولای متقیان علی امیرالمؤمنان است و از جمله به حدیث «انا مدینه العلم..» اشارت دارد. علامه امینی رحمته بدین مناسبت کتاب الشریف الغدیر را درج ۶ ص ۶۱ تا ص ۳۵۰ به مباحثی روایی و کلامی اختصاص داده است. در پایان نیز دوباره به شرح حال او برگشته و آثارش را برشمرده و اشعاری از وی آورده است. ابو عبدالله شمس‌الدین محمد مالکی، اندلسی نحوی معروف به ابن جابر اعمی یکی از مردان شعر و ادب و دارای مهارت در نحو و تاریخ و سیره و حدیث بوده که در سال ۶۹۸ هـ زاده شده و چنان‌که گفته شده در ۷۸۰ هـ درگذشته است.

غدیریه او:

... و قال رسول الله انى مدينة من العلم و هو الباب فالباب فاقصد
 من كنت مولاه على وليه و مولاك فاقصد حب مولاك ترشد...
 على عليه السلام شمشير رسول خدا و صحابی بزرگوار او و داماد
 و پسرعمّ پیامبر مصطفی و پدر حسنین و دارنده سیادت و
 آقایى بود و پروردگار آسمانها، زهرا را به عقد او درآورده و
 با بهترین زنان همسر کرد و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: من شهر
 دانش هستم و على درگاه آن، پس اگر طالبی درگاه را قصد
 کن و فرمود هرکه را من مولا بودهام على مولای اوست مهر و
 ولای مولی موجب رشد و رستگاری می شود.

هفتادویکم: علماءالدین ملّی

ابوالحسن شیخ على حلّی، عالمی بافضیلت و ادیبی با کمال و
 میان دانش فراوان و ادب درخشان را با اندیشه نابغانه و نظر
 صائبانه جمع کرده و در طلیعه شعرای اهل بیت به شمار آمده
 است و قصیده‌های زیبای او مشحون از لحاظ رمزهای باریک
 و نکویی‌های با الفاظ سنگین و خردمندانه بودن معنی و
 متانت سبک و اسلوب، قابل تقدیر است.
 قصیده‌های هفت‌گانه طولانی که همگی زیبا و نکته دارند.

غدیریه‌ها:

... أأ الذی جحدوا الوصی و ما حکى فى فضله «یوم الغدير» محمد...

گمان ندارم کسی در دوزخ جاودان بماند جز کسی که وصی را منکر باشد و آنچه محمد صلی الله علیه و آله در غدیر خم در فضیلت او گفت، انکار کند. آنگاه که او به پا خاست و خطبه‌ای غراً خواند و در حالی که دست در دست علی داشت و فرشتگان نیز ناظر بودند، فرمود: هر که من مولای او بوده‌ام، این حیدر مولای اوست نه کس دیگر. پروردگارا، دوستدار او را دوست بدار و معاندان و دشمنان حیدر را خوار گردان. به خدا سوگند جز مؤمن، عاشق علی نیست و جز ملحد کافر، او را دشمن نمی‌دارد. ای مردم یار و یاور او باشید و از نصرت او دریغ نورزید تا رستگار شوید. گفتند شنیدیم و تأکید جبرئیل را فهمیدیم اما تا محمد از دنیا رفت، به پیمان خیانت کردند... این قصیده دارای ۱۸۵ بیت است و تاریخچه غدیر و موضوع ولایت و امامت و فضائل علی علیه السلام را دربردارد.

قرن نهم

هفتاد و دوم: ابن عرندس ملّی

شیخ صالح ابن عرندس یکی از سرشناسان و مؤلفان شیعه و سرآمد در فقه و اصول و دارای هنر شعر و گوینده و سراینده مدایح و مرثیاتی فراوانی در حق اهل بیت است. علّامه امینی رحمته الله علیه نمونه‌هایی از اشعار او را در الغدیر بزرگ آورده است. غدیریّه او دارای یکصد و بیست بیت می‌باشد.

و یخّم و اخاه النبی محمد حقاً و ذلک فی الکتاب تنزّلاً
و مدحتّه رغماً علی آنافهم مدحاً به ربّی صدا قلبی جلا
و تراب نعل ابی تراب کلمّاً مس القذی عینی یكون لها جلا
و محمّد پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیرخّم و در برابر کتاب نازلّه
خدا، با او برادر گردید و من هم بینی بدخواهان را به خاک
مالیدم و او را ستایش کردم چنان ستایشی که پروردگار من
بدان وسیله زنگار از دل من زدود. خاک پای ابوتراب علی،
توتیای چشم من است و با آن جلا پیدا می‌کند.

او در این قصیده به برخی فضائل علی علیه السلام از جمله جریان شکستن بت‌های روی بام کعبه اشاره نموده است. علامه امینی رحمته الله علیه در همین مضمون، حدیث مزبور را از منابع مختلف و کتاب‌های معتبر اهل سنت، که متجاوز از چهل کتاب باشد، نقل نموده است.

هفتاد و سوم: ابن داغر ملّی

شیخ مخامس بن داغر از محبان اهل بیت طهارت است که بزرگان در مهر و محبت وی نسبت به آل الله علیهم السلام سخن فراوان گفته‌اند. علامه امینی نمونه‌هایی از شعر او را آورده است و غدیریه‌های او هر کدام بیشتر از چهل بیت است.

و حباه فی یوم الغدیر ولایة عام الوداع و کلّهم اشهادها
فهدا به (یوم الغدیر) مفصّلاً برکاته ما تنتهی اعدادها..

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر خم، به سال حجة الوداع، مقام ولایت را به او داد و همه گواه بودند و بدان وسیله در روز غدیر، برکات او که تمام شدنی نیست، به تفصیل بیان شد.

قومی که وصیت احمد رضی الله عنه را شنیدند، اما در سینه‌هایشان کینه انباشتند تا آن‌گاه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رخت از جهان بریست؛ کینه‌ها را آشکار ساختند. ولی خدا را از مقام خلافت بلافصل منع کردند. کار به آنجا رسید که به او به‌طور علنی بر روی منبرها، ناسزا و دشنام دادند. آیا او را آشکارا بر روی منبرها

ناسزا می‌گویید در حالی‌که با شمشیر او آن منبرها برای شما سامان یافت؟

هفتاد و چهارم: حافظ بررسی ملّی

حافظ شیخ رجب بررسی از اهالی حلّه، عارف، عالم و فقیه شیعی که آگاه به چندین رشته از علوم بوده و در فن حدیث و ادبیات و شعر نیز آشنا بوده است.

علّامه امینی رحمته الله سیزده اثر از او برشمرده، از آن جمله است: مشارق انوار الیقین... و نیز نمونه‌ای از اشعار وی را آورده است. تاریخ ولادت و مرگ او معلوم نیست.

غدیریه:

له النص فی «یوم الغدير» و مدحه من الله فی الذکر المبین صریح...
نص روز غدیر برای اوست و ستایش وی از ناحیه خدا در قرآن مبین، آشکار است. او پیشوایی است که اگر کسی مهر او را به دل داشته باشد، میزان اعمال او در روز قیامت سنگین خواهد بود.

از آنجا که برخی شاعران غدیر، از جمله شیخ رجب در تیررس انتقاد و اعتراض قرار گرفته و به غلو متهم شده‌اند، بعضی مؤلفان^۱، آن‌ها را آماج تیرهای تهمت و ناسزا و انواع نسبت‌های ناروا، قرار داده‌اند. علّامه امینی رحمته الله به این مناسبت

۱. مانند ابن تیمیه، ابن اثیر، قصیمی، جارالله موسی و امثال آن‌ها.

فصل‌هایی گشوده و به بحث‌های جانبی زیادی پرداخته که از عنوان «غلوگرایی در فضائل» شروع و صفحات ج ۷ الغدیر (از ص ۶۳-۱۱۲) و نیز تمام جلد‌های ۹ و ۱۰ را به خود اختصاص داده و بحث‌های کلامی، تاریخی، عقیدتی و علمی زیادی را مطرح کرده و روشنگری‌هایی نموده است.^۱ سپس بقیه شعرای غدیر را از قرن نهم به بعد آورده است.

هفتادوپنجم: ضیاءالدین هادی

سید جمال ضیاءالدین هادی یمنی صنعانی زیدی، یکی از رجال دینی و اولاد حسن بن ابی‌طالب بوده است. پدرش وی را در خردسالی همراه با عموزاده‌اش به صعده برد. او در آنجا به آموزش پرداخته و بالنده شده است.

علّامه امینی رحمته‌الله یازده اثر از وی نام می‌برد که بر چهار اثر او تأکید داشته و آن‌ها را از بهترین مؤلفات وی نام می‌برد که عبارت است از:

- کاشف الغمّة عن حسن سیرة امام الامة
- کریمة الناصر فی الذّب عن سیرة الام الناصر
- السیوف المرهفات علی من أّحد فی الصفات
- نهایة التنویه فی ازهاق التمویه فی الرد علی نشوان

۱. ما این بحث‌ها را به تناسب پی خواهیم گرفت.

سیدجمال، با برخی از عالمان یمن، مکاتبات و نامه‌نگاری‌ها و مشاعره‌هایی داشته است. نامبرده در سال ۷۵۸ هـ به دنیا آمد و در ۸۲۲ هـ درگذشته است.

غدیریه:

این است مذهب ما که امام و پیشوا و رهبر پس از محمد مصطفی، حیدر قهرمان و دشمن‌شکن است یعنی: امیرالمؤمنین علی که از سوی خدای رحمن به آن مقام رسید و در حق او آییه‌های مبارک نازل فرمود:

و قال فيه رسول الله سيدنا يوم «الغدیر» بخمّ يوم حجهم
من كنت مولاہ (ای اولی) به فعلی اولی به و هو مولاہم بکلّهم...

سرور و پیامبر ما در روز غدیرختم، در حضور افراد بسیار گفت: هرکس را من مولا بوده‌ام، یعنی سزاوارتر از او، این علی مولای همه آنان است. در ادامه قصیده فضائل و مناقب علی علیه السلام را برشمرده و به حوادث تلخ تاریخ بعد از رسول پرداخته است.

هفتادوششم: مسن آل ابی عبدالکریم

شیخ حسن آل ابی عبدالکریم مخزومی یکی از شاعران قرن هشتم است. چون تاریخ وفات او معلوم نیست، برخی قصائد او را به بعضی شاعران قرن نهم نیز نسبت داده‌اند.

علامه امینی رحمته الله علیه قصیده یکصد و هفتاد و هفت بیتی از او آورده که در بعضی بیت‌ها از غدیر خم یاد کرده است:

و بیعة «خم» والنبی خطیبها لها فی قلوب المشرکین نصول...

و بیعت غدیر خم که سخنران آن، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. آن بیعت و خطبه در دل‌های مشرکان همچون نیزه‌ها فرو رفت و احمد رضی الله عنه بر بالای بلندی، در حالی که دست مرتضی را در دست داشت، فرمود: ای جماعت حاضر، بشنوید و به آنان که غایبند برسانید. همه، اعم از ذلیل و عزیز گوش دادند، که فرمود: هر که را من مولا بوده‌ام آنک حیدر و علی، مولای اوست. این را از طرف پروردگار آسمان می‌گویم و علی امیر مؤمنان است و هر کس جز او را امیر المؤمنین بخواند، نادرست‌کار و نادان است. همگی آفرین گفتند؛ لیکن برخی خاطری مکدر داشتند.

قرن دهم

هفتادوهفتم: شیخ کفعمی

تقی‌الدین ابراهیم کفعمی، یکی از اعیان و سرشناسان قرن نهم که جامع علم و ادب و از طلایه‌داران حدیث و کاشفان گنج‌های پرسود و نادر است. مردم از تألیفات او از جمله مصباح و بلد امین بهره‌ها بردند.

علّامه امینی رحمته‌الله شجره‌نامه او را در الغدیر بزرگ آورده است. معجم‌نگاران در کتاب‌های خود او را مورد مدح و ستایش قرار داده‌اند. علّامه امینی نام یازده نمونه تراجم را یاد می‌کند که صفحاتشان به نام او مزین است.

تالیفات متعددی از او در دست است که تعداد آن‌ها به روایت صاحب اعیان الشیعه، ۴۹ عدد است. علّامه امینی ۲۹ اثر از وی نام برده است. او در سال ۹۰۵ هجری دیده از جهان فروبست. برخی ابیات غدیریه او به قرار ذیل است.

هنیئاً هنیناً لیوم الغدیر و یوم الحبور و یوم السرور

و یوم الکمال لدین الاله و اتمام نعمه ربّ غفور
 مبارک روزی است روز غدیر، روز کمال دین خدا و روز
 اتمام نعمت پروردگار آمرزنده بر بندگان است.
 روز رستگاری و روح پیروزی است و روز سازمان یافتن
 همه امور است.

روز امامت و امیری مرتضی، پدر حسن و حسین است.
 روزی است که به تقدیر پروردگار دانای توانا خطاب از
 جبرئیل آمد. روز سلام بر محمد مصطفی و عترت طاهر
 ماه‌های چهارده شبه است. روز مطرح‌شدن ولایت و وصایت
 علی امیرالمومنین در غدیر...
 در فرازی دیگر می‌سراید:

و بعده یوم غدیر خمّ ثامن عشر منه فاتبع نظمی...
 پس از آن روز غدیر خمّ است هجده آن ماه به دنبال نظم
 من باش. در آن روز از پیامبر ﷺ بیانی صریح در مورد امام
 علی مرتضی آمد و اسلام در آن روز به کمال رسید...

هفتاد و هشتم: عزالدین عاملی

عزالدین شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی جبلّی، پدر شیخ
 بهایی و از خاندانی شریف و دارای مجد و عظمت موروث و
 مکتسب است. نیای او حارث اعور همدانی، همان که
 امیرالمؤمنین علیه السلام به هنگام وفات، به او بشارت داد.

علامه امینی رحمته الله از بیست نفر از مشایخ هم عصر او نام برده که بر انتساب او به نیاکان پاک تصریح کرده‌اند. همچنین ضمن یاد از اساتید و شاگردان وی نام بیست و هفت اثر از تألیفات او در کتاب الغدير ذکر گردیده است.

او در سال ۹۱۸ هـ متولد و در ۹۸۴ هـ درگذشته است. امینی رحمته الله در الغدير، غدیریه‌ای چهل و پنج بیتی از وی آورده است.

اِخَا الْمِصْطَفَى وَ اَبَا السَّيْدِيْنَ وَ زَوْجِ الْبَتُولِ وَ نَجْلِ الظَّهِيرِ
 وَ مَحْبُوبِ رَبِّ حَمِيْدٍ مَجِيْدٍ وَ خَيْرِ نَبِيِّ بَشِيْرٍ نَذِيْرِ
 وَ نُوْرِ الظَّلَامِ وَ كَافِي الْعِظَامِ وَ مَوْلَى الْاَنْاَمِ بِنَصِّ
 مِنْ بَرَادِرِ مُحَمَّدٍ مِصْطَفَى وَ پَدْرِ اَنْ دُوْ اَقَا (حَسَنِ وَ
 حَسِيْنِ) وَ هَمْسَرِ بَتُولِ وَ فِرْزَنْدِ اَنْ پَشْتِيْبَانِ رَا صَدَا مِيْ كَنْمِ كِه
 مَحْبُوبِ پَرُوْرْدِگَارِ سْتُوْدِه وَ بَا عِظْمَتِ وَ بَرِگْزِيْدِه پِيَامْبَرِ،
 بَشَارَتِ دِهَنْدِه وَ اَنْدَارِ كَنْنَنْدِه اسْت. او را به گفتار صريح روز
 غدیر که روشنایی تاریکی‌ها و کفایت‌کننده کارهای بزرگ و
 صاحب ولایت انسان‌ها است.

قرن یازدهم

هفتادونهم: ابن ابی شائین بمرانی

شیخ داود بن محمد حفصی بحرانی از نیکان قرن دهم هجرت و از برگزیدگان عصر خویش بود که به وجود مفاخر آراسته بود. اشعار او نیز مجموعه‌های ادبی را عطرآگین ساخته است.

غدیریہ او:

... ولما اتی نحو (الغدیر) برحله تلقاه جبریل الامین یبشّر
بنصب علی والیاً و خلیفۃ فذالک وحی الله لا یتأخّر...
پیامبر ﷺ پس از مراسم حج از مکه حرکت کرد، اما در
دل رازی پنهان داشت. وقتی به (غدیر) رسید، جبرئیل امین
با پیامی بشارت‌آمیز آمد و فرمود: ای رسول خدا! فرمان خدا
در نصب علی به عنوان والی و خلیفه نباید تأخیر داشته باشد.
پیامبر ﷺ کاروان را در آن گرما، نگاه داشت و بر بلندایی
ایستاد و بعد از حمد و ثنای الهی گفت: از سوی خدا امری
رسیده که باید اجرا شود و من به نام خدا آن را می‌رسانم و

خدا یاری رسان حق است. اگر کوتاهی کنم رسالت خدا را بر جای نیاورده‌ام. علی، برادر و جانشین من در میان امت است. او یاری‌کننده دین من است. پیروی از او بر همه واجب، و نافرمانی‌اش گناهی نابخشودنی است. ای مردم سخن مرا بشنوید و فرمانبردار او باشید تا پاداش یابید. آیا من برای همه شما از خودتان سزاوارتر نیستم؟ گفتند بلی. فرمود: آگاه باشید هرکه را من مولا بوده‌ام پس از من حیدر خلیفه و جانشین است.

بحرانی در سال ۱۰۰۱ هـ در گذشته است.

هشتاد: زین‌الدین حمیدی

عبدالرحمن بن احمد حمیدی دارای دیوان شعری پر از بدایع ادبی است. او قصیده‌هایی طولانی در مدح پیامبر خدا ﷺ دارد. وی در برخی قصائدش به غدیر، پرداخته است.

و بیاب العلوم صنوک مردی فی الردی کل مبطل بالرداء
اسدالله فی الحروب مجلی آزمان الکروب و الغماء
و کفاه حدیث «من کنت مولا» فخاراً ناهیک ذا من تناء

و داماد و پسرعموی تو (پیامبر) همان دروازه دانش‌ها، دلیر مردی بود که با شمشیر، هر باطل‌گرا را در میدان جنگ از میان برداشت. شیر خدا در میدان‌های کارزار، غم و اندوه را می‌زدود و حدیث «من کنت مولا...» در منقبت او کافی است

و چه فخر و ثنای بزرگی است. او در سال ۱۰۰۵ هـ وفات نمود.

هشتادویکم: بهاء الملة والدين

محمد بن حسین شیخ الاسلام، معروف به شیخ بهایی، مشهورتر از آن است که بخوایم در وصفش بنگاریم. آثار و آوازه‌اش حتی در جهان خارج از اسلام نیز پیچیده است. کتابی در بزرگان شیعه نیست که به بیان حالات و آثار او نپرداخته باشد. شیخ بهایی سی سال جهانگردی کرد و سپس در اصفهان مقیم گشت و در جوار امام رضا علیه السلام، هشتمین پیشوای معصوم، آرمیده است.

نسب او همان‌طور که در شرح حال پدر بزرگوارش، شیخ حسین آمد، به حارث همدانی می‌رسد. شرح حال او را بسیاری از دانشمندان و تراجم‌نویسان در کتاب‌هایشان آورده‌اند. علامه امینی رحمته الله علیه نام ۴۲ نفر از آنان را یاد می‌کند. همچنین از مشایخ و شاگردان او که تعدادشان به ۱۰۰ نفر می‌رسد، نام می‌برد در ادامه ۷۷ عنوان از آثار شیخ بهایی را معرفی می‌نماید:

علامه امینی رحمته الله علیه همچنین به تعدادی زیادی از شروح و تعلیقات گروهی از دانشمندان معاصر او و پس از او اشاره کرده است.

تولد وی ۹۵۳ ه و در سال ۱۰۳۱ ه درگذشته است.
 شیخ بهایی در میدان هنر شعر و ادب هم یگانه تاز بوده و
 اشعار او در دیوان و دیگر کتب پخش است. قصیده رائیه او
 به نام «وسيلة الفوز و الأمان» بسیار لطیف و پر مضمون است.
 وی درباره غدیر قصایدی دارد که برخی آنان را تخمیس
 کرده اند.

علّامه امینی رحمته الله در کتاب الغدیر آن را، که حدود چهل
 بیت است، آورده و ما چند بیت را یاد می کنیم:

امام البریة اصل الاصول	شفیع الأنام بیوم مهول
فتی حبه الله ثم الرسول	وصی النبی و زوج البتول
امام به الشرك عنی خفی	و للظلم و الفسق عنا نفی
علی امیری و نعم النصیر	مجیری غداً من لهیب السعیر
و كان لأحمد نعم النصیر	و واخاه امرا غداة «الغدیر»

(من الله نصّاً به و اختیاراً)

پیشوای انسانیت و ریشه دارترین نسلها که در روز
 هولناک محشر، شفیع مردم است؛ جوانمردی که خدا و سپس
 رسول، او را دوست دارند. او وصی و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و
 همسر زهرا ی بتول است. پیشوایی که در پرتو وجود او آثار
 شرک از بین رفت و ظلم و نابکاری متفی گردید و محمد
 مصطفی، آن را خلاصه اهل تقوا و وفا، او را برگزید و برادر
 خویش خواند.

علی علیه السلام امیر و امام و رهبر من است و چه پیشوا و رهبر نیکی. او فردای قیامت مرا از شراره آتش دوزخ پناه‌دهنده است. او برای احمد یار و یآوری نیک است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فرمان خدا در روز «غدیر» او را برادر خویش اعلام کرد و به نص و انتخاب پیامبر، پیشوا و خلیفه شد.

هشتاد و دوم: مرفوشی عاملی

شیخ محمد بن احمد حریری حرفوشی، شامی عاملی؛ از نابغه‌های دانش و ادب و از استوانه‌های فضیلت است که فضایل و ارزش‌ها را یکی پس از دیگری کسب کرده است. فضایل و ارزش‌ها برای او مانند دانه‌های شانه و یا خطوط دایره که به مرکز آن می‌پیوندند، لحاظ گردیده است. علامه امینی رحمته الله ۱۱ مورد از تألیفات او را نام برده است. بزرگانمانند سید علی‌خان او را ستوده و شیخ حرّ عاملی در وفاتش او را رثا گفته است. وفات او به سال ۱۰۵۶ بوده است.

غدیریّه:

... و اسئل «بخم» کم له المختار من فضل أبانه
گویا برای صاحب دیانت، سخن از مرتضی (علی بن ابی طالب) به میان آوردم. آن‌گاه که گرد رنج بر سیمای زمانه نشست تو چون باران رحمت الهی انسان‌ها را پناه دادی.

آن‌گاه که شعله‌های نبرد بالا گرفت؛ شمشیرت صفوف
دشمنان را درنوردید...

از سرزمین غدیرخم بازپرس که احمد فضایل و
برتری‌های او را بر مردم بازگفت.

هشتادوسوم: ابن ابی المسن عاملی

سید نورالدین علی (دوّم) موسوی عاملی جبعی از سرشناسان
امامیه است و در طلیعه نوابع آنان که جامع دانش و ادب بوده
و از جگرگوشه‌های علم و فضیلت به حساب می‌آید.

نامبرده از شاگردان شهید ثانی است. اشعار و آثار منظومش
در میدان ادبیات اسلامی و امامیه می‌درخشد. پراکنده آثار او
را سید امین در اعیان‌الشیعه گردآورده است.

علّامه امینی رحمته الله از هشت نفر که از وی روایت کرده‌اند،
یاد می‌کند. شرح حال او را صاحبان در رجال و تراجم
کتاب‌های خود آورده‌اند. علّامه امینی از هفت نفر یاد کرده
است. او به نقل از حر عاملی می‌نویسد: او شاعری ادیب و
دانشمند بوده که آثارش عبارت است از:

۱- شرح ناتمام مختصرالنافع

۲- الفوائد المکیه

۳- شرح الاثنی عشریه الصلاتیه

۴- رساله فی تفسیر آیه موده ذی‌القربی

۵- رساله غنية المسافر عن المنادم و المسامر.

غدیریہ:

و نصّ عليه في «الغدير» بآته امام الوری بالمنطق الصادق الفصل... پیامبر ﷺ در غدیر با منطق راست و برخاسته از وحی و حق، تصریح کرد، علی رهبر و پیشوای مردم است. اما شما (منحرفان از علی) به شیوه ظالمانه، امامت و ولایت را به ناهلان واگذار کردید و آن را از کسی که شایسته‌ترین بود دور کردید چه دورکردنی، و به آن کفایت نکردید و رسول الله ﷺ را با منع دخترش از میراث او مورد ستم و اذیت و آزار قرار دادید و درباره آن حدیث‌هایی جاهلانه ساختید و باز به آن بسنده نکردید بر داماد و پسرعموی رسول الله عیب‌ها تراشیدید و تهمت‌ها زدید.

ابوالحسن موسوی در سال ۱۰۶۸ هـ درگذشته است.

هشتاد و چهارم: شیخ مسین کرکی

شیخ حسین بن شهاب‌الدین شامی، عالمی از نیکان خطه جبل عامل و از دانشمندانی است که در بسیاری از علوم با دیگران شریک بود. بهره او در ادبیات نیز بسیار است. آن‌گاه که شعر می‌سرود تو نمی‌دانی دُرّ و شاهوار می‌سغد یا زرناب به قالب می‌ریزد. علامه امینی رحمته در ۱۳ مورد از آثار او نام می‌برد که شرح نهج البلاغه نیز از آن جمله است.

فخاص اميرالمؤمنين بسيفه نظاها و املاك السماء له جند...
 وصى رسول الله وارث علمه و من كان فى «خم» له الحلّ و العقد
 لقد ضلّ من قاس الوصى بضدّه و ذو العرش يابى ان يكون له نّد
 اميرالمؤمنين على شمشير برکشيد و به ميان شراره‌هاى
 آتش جنگ رفت، در حالى که فرشتگان سپاه او بودند. وصى و
 جانشين رسول خدا ﷺ و وارث علم و دانش او، آن كسى
 است که به حکم غدیر خمّ حلّ و عقد امور بر عهده‌اش بود.
 به يقين گمراه شدند آنان که وصى رسول خدا را با ديگرى
 مقایسه کردند؛ در حالى که خدای صاحب عرش ابا دارد از
 اينکه برای او مثل و مانندی وجود داشته باشد.
 کرکى در سال ۱۰۷۶ هـ درگذشت.

هشتادوپنجم: قاضى شرف الدين

حسن بن قاضى جمال الدين يمنى صنعانى، يکى از سرشناسان
 يمن و چشم و چراغ اديبان و دانشمندان، نويسنده و شاعر در
 آن سامان بودن است. ديوان وي «ثلاثة الجواهر» ناميده
 مى‌شود. علامه امينى رحمته الله عليه نمونه‌اى از اشعار، از جمله غديره
 او را آورده است.

... و امدحه لا متحرّجاً فى مدحه اذ لا مبالغة و لا اغراق
 و لاه احمد فى «الغدير» و لاية اضحت مطوقة بها الاعناق...
 پسر عمو و داماد پيامبر، چه نيكو پسر عمويانى بودند، با
 رگ و پى‌اى اصيل، پدر امامان معصومى که به مقامى بلند و

والا رسیدند. مدح و ثنای آنان زینت بخش اوراق گشت. او را ستایش کن و نگران مباش که دچار مبالغه و اغراق نخواهی شد. احمد مصطفی، در روز غدیر خم، او را به امامت و جانشینی خود برگزید، و از این پس ولایت او طوق آذین گردن‌ها گردید.

همگان در روز غدیر به ولایت حیدر شهادت دادند؛ آنگاه که نور آن ولایت همه جا را دربرگرفت.

هشتادوششم: ابوعلی انسی

سید ابوعلی انسی، یکی از اعیان یمن و مؤلفان فاضل آن سامان است. شعری در عقاید دارد. متوکل از او حساب می‌برد. او در سال ۱۰۷۹ هـ وفات یافته است.

غدیریه او:

...زعم النص فی الوصیّ خفیاً
من رمی التصب اصغریه و غالا
و حدیث الغدیر یکفیه ممّا
قال فیہ محمد و استقالا
غیران الضغائن القرشیات
بها کانت اللیالی حبالا
خدا فرمان داده نزاع و کشمکش مکنید و کار را به خدا -
سبحانه تعالی- و به بهترین خلق او، سرور پیامبران و
پاک‌ترین آنان در کردار و گفتار بازگردانید. پس چرا در آن امر
بزرگ (خلافت) از روی مخالفت و گمراهی، نزاع و کشمکش
کردید؟ در مورد بهترین خلائق، شورا و حکمیت کردید.

کسانی، کسان دیگر را حاکم ساختند حال آنکه کسی که با خدا مخالفت کرد و حرام را برگردانید و حلال نمود نزد من چه می‌شود؟

کسی که عقل و زبانش تیر ناصبی‌گری خورده، پنداشت که نص غدیر روشن نیست در حالی که حدیث غدیر و آن چه رسول‌الله محمد فرمود او را کفایت کند. جز اینکه شب آبستن کینه‌های کهن قریش بود!

هشتاد و هفتم: سید شهاب‌الدین موسوی مویزی

سید شهاب‌الدین، از فرزندان امام موسی کاظم و از نوابغ شاعران اهل بیت است که اشعارش دارای فخامت لفظ و جزالت معنی است. ابن شدقم او را چنین ستوده است: سیدی است با جلالت، خوش اخلاق، نیک‌خوی، بزرگوار، با اصالت، فصیح، ادیب و شاعر و آن‌گاه شمه‌ای از اشعار او را برمی‌شمارد. بستانی نیز نامبرده را از اعیان قرن یازده برشمرده است.

علّامه امینی رحمته در ردّ پندار برخی که او را غالی پنداشته‌اند، گوید: این شاعر علوی اولین شاعر از موالی اهل بیت علیهم السلام نیست که در حد اعتدال خارج نشده و در ولای آل الله و مدح خاندان نبوت به دنبال شرع و عقل هستند و هرگز گرد غلو به پیشانی‌شان ننشسته است.

وی به سال ۱۰۲۵ هـ دیده به جهان گشود، و در سال ۱۰۸۷ نقاب بر خاک کشید.

غدیری:

نور مبین قد انار دجی الهدی ظلم الضلالة فی ضیاء سراجہ
و [غدیر خم] بعد ما لعبت به ریح الشکوک و آض من لجلاجه^۱
امطرته بسحابة سمیّتها [خیرالمقال] و ضاق فی امواجه...

در پرتو چراغ او نوری درخشید که روشنگری آن، تاریکی برآمده از ستم گمراهی، را در هم شکست. غدیر خم پس از آنکه دست تطاول بادهای شک و تردید با آن بازی کرده بود بعد از به هم آویختگی و تردید، دوباره به اصل خود بازگشت... و تو با ابری پر باران به مقالی که آن را بهترین سخن نامیدی و موج های به هم فشرده شک و تردیدها را شکستی...

هشتاد و هشتم: سید علی فان مشعشعی

او فرزند سید عبدالمطلب مشعشعی حویزی یکی از حاکمان حویزه، که نسبش به امام موسی کاظم علیه السلام می رسد. او آراسته به زیور علم، دانش و از جمله کسانی است که در شعر و ادب گوی سبقت را از دیگران ربوده و با گوهرهای درخشان ادب و آویزه های زیبا آراسته و البته از همه برتر، انتساب او به خاندان رسالت است. علامه سید محسن امین رحمته الله برای او ۵۵

۱. آض از ایض، بازگشت، رجوع و لجلاجه، جویدن کلام در دهان، درهم آمیختگی

اثر برشمرده است. او در سال ۱۰۷۴ هـ درگذشته و شهاب حویزی برای او مرثیه سروده است. علامه سید محسن امین رحمته الله علیه درباره او، ضمن بیان شرح حال او، اشارتی به علم و دانش پدرش داشته و ۲۰ اثر از آثار وی را برمی‌شمارد.^۱

غدیریه:

... و یزاد عنها حیدر مع ان خیر الخلق صرّح «فی الغدیر» و نادا
من کنت مولاه فذا مولاه من بعدی و اسمع بالندا الأشهادا
اگر روزگار را خیری می‌بود، پس از محمد مصطفی آن
مرد تیمی بر منبر او بالا نمی‌رفت و حیدر از آن کنار زده
نمی‌شد، در حالی که بهترین خلق (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) در روز غدیر
به صراحت گفت: هر که من مولایش بوده‌ام، پس از من این
(علی) مولای اوست و شما شاهدان این سخن را به گوش
همه غائبان صحنه برسانید...

و در منظومه‌ای دیگر می‌سراید:

و فی یوم «خَمّ» أبان النبی مولاته برفیع الندا
فاولهم کان سلماً له وفادیه بالنفس لیل الفدا
و ناصره یوم فر الصحاب عنه فراراً کسرب القطا...
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر خمّ ولایت او را با صدای بلند،
آشکارا بیان کرد، ولایت همان علی علیه السلام را که نخستین اسلام
آورنده بود و اولین کسی که در آن شب به جان‌نثاری، حاضر

۱. اعیان الشیعه، ۳/ ۲۰-.

شد جاننش را نثار کند و آن روزی که اصحاب در مقابل دشمن، مثل فوج پرندگان قطا، فرار را بر قرار ترجیح دادند، او ایستاد و رسول الله ﷺ را یاری کرد.

هشتادونهم: سید ضیاء الدین یمنی

سید ضیاء الدین جعفر حسنی یمنی، از رؤسای یمن، ادیب، کاتب و شاعر بوده، و حکمرانی بلاد «عدین» را بر عهده داشت. وی به سال ۱۰۹۸ درگذشته است. از آثار نثر او تقریظی است که بر کتاب «سمط اللثالی» نوشته است.

غديره:

و يوماً أقام الله لآلِ حقهم به و رسول الله فی القوم خاطب
 به قلّد الله الخلافة اهلها و زحزح عنها الابعدون الاجانب
 فكان امير المؤمنين على الوصى بنصّ الله فالأمر واجب...
 و روزی که خدای حق آل محمد ﷺ را به پا داشت و
 رسول الله ﷺ برای آن حق، سخنرانی کرد و بدان وسیله
 خلافت بر گردن اهل آن، همچون گردنبندی آویخته شد و
 مردمان دور و بیگانه از آن کنار زده شدند. پس علی
 امیرالمومنین به نص و فرمان صریح خدا، وصی و جانشین
 گردید. پس امامت بر او واجب شد.

نود: ملا محمد طاهر قمی

ملا محمد طاهر قمی فرزند محمد حسین شیرازی نجفی قمی، یکی از یگانه‌های عصر خویش بود، که در تمام دانش‌ها، سهمی داشته و از مشایخ اجازات به‌شمار می‌آید که سلسله پیوسته‌ای است. افزون بر فقاقت جوشان، در فلسفه صحیح نیز مقامی بلند داشت و فضلی بسیار و دارای موعظه‌های رسا و نصیحت‌های عالی و سخنان حکمت‌آموز والا و شعر فراوان بوده است.

علامه امینی رحمته الله علیه بیش از بیست اثر علمی برای او برشمرده و او در قم امام جمعه و جماعت بوده و در سال ۱۰۹۸ هـ درگذشته و در مقبره شیخان پشت قبر حضرت زکریای آدم، مدفون است.

غدیریه فارسی:

نهی چو وارد «خم» گشت بر سر منبر	خلیفه کرد علی را به گفته جبار
نهاد بر سر او تاج «وال من والاه»	ز همتش بگرفت از برای وی اقرار
ولیک آنکه به بیخ‌بخ نمود تهنیتش	بکرد از پی اقرار خویشتن انکار

غدیریه عربی:

ولایة المرتضى فی خم قد ثبتت	بنص افضل خلق الله و الرسول...
ان الإمامة عهد لم تنل احدا	سوی المصون من الزلات و الخطل

معنی غدیریه عربی:

ولایت و امامت مرتضیٰ علی علیه السلام به نص صریح سخنان پیامبر اکرم افضل خلق خدا، ثابت گردید. رسول الله نیز بر روی منبر به آن در حضور همه اهل دین و دولت تصریح فرمود. پیش تر در ماجرای «حدیث الدار» خلافت علی را به طور جد، بیان کرده بود: امامت، پیمانی است که به احدی جز کسی که معصوم از خطا و لغزش باشد، نمی رسد.

نودویکم: قاضی جمال الدین متی

قاضی جمال الدین محمد بن حسن، از ادیبان خوش کلام و زبان داران بافضیلت و زمین های حاصل خیز سخن و صرافان شعر و قاضیان نیرومند به حساب می آمده است. او جمال علوم و معارف، و دارای سایه ای گسترده که ماه و خورشید فضل و کمالش، اطراف را روشن کرده و دانش سرشار و دریای موج او به اکناف سرازیر شده است و آوازه اش در همه جا پیچیده و همه اقبالش به پرواز درآمده است. آثار او بسیار قوی و برگرفته از عنصر آگاهی است. توسن بلاغت را از برج و باروهای خود پایین آورده و بر مرکب کلام غلبه و چیرگی یافته و افسارش را در دست گرفته است. او در ورود به سرزمین یمن کامروا گشته و بر منصب قضا تکیه زد...
 علّامه امینی رحمته الله علیه بخشی از سروده های او را در الغدير بزرگ آورده است.

غدیریه:

و لك الارث فى الولاء بحق فى رقاب الورى لىوم التناد
 لمقال النبى فى [ماء خم] انت مولى للمؤمن المنقاد
 فتهادى بالطوع قوم ففازوا و تمادى الغبى فى الانتقاد
 ثم قال النبى والِ علياً يا الهى و من يعاديه عادى...
 ميراث برحق ولايت از آن تو است که بر گردن مردم تا
 روز قیامت حق ولايت داری؛ زیراکه پیامبر ﷺ در غدیر خم
 فرمود: ولّی و سرپرست هر مؤمن قرار گرفتی قومى با اطاعت
 تو هدایت یافتند و رستگار شدند؛ اما کودن و عنود، چون و
 چرا کرد و خرده گرفت. پس پیامبر ﷺ گفت: خدایا على را
 دوست بدار و با هر که با وی دشمنی ورزد دشمن باش.

نودودوم: ابومحمد ابن شیخ صنعان

ابومحمد ابن شیخ صنعان که نهج البلاغه‌ای به خط سید
 شریف رحمته الله در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران (شهید
 مطهری) با شماره ۳۰۸۵ کتابت سال ۱۰۷۲ هـ تقریظ وی از
 ایشان موجود است. به مطلبی که بیانگر تاریخ حیات او باشد
 وقوف نیافتیم؛ جز همین شعر که به عنوان تقریظ در آن کتاب
 آمده است و نشانه توانمندی او در شعر نکویی سخن و
 برنده بودن او در مسابقه ادبی است؛ هم‌چنان که آیتی است در
 ولای خالص برای امیرالمؤمنین علیه السلام.

۱. سلافة العصر، و ذر سلوة الغریب چنین آمده: و تمادى بکرهه المتماذى.

چند بیت از آن منظومه را می آوریم:

نهج البلاغه روضة مطورة بالنور من سبحات وجه الباری
 او حکمة قدسیه جلیت بها مرآة ذات الله للنظار
 صنوار السول و كان اول مؤمن عند الاله كصنوره المختار
 و به اقام الله دین نبیه و اتم نعمته علی الاخيار
 نهج البلاغه بوستانی است با گل های تروتازه و شاداب با
 بارش نور از سبحات وجه باری تعالی یا حکمت های قدسی
 است که آینه ذات خدا را برای بینندگان جلوه داده است.

داماد و پسرعموی رسول صلی الله علیه و آله که همانند پسرعم
 برگزیده اش پیامبر خدا، نخستین ایمان آورنده و اولین
 پرستنده خدا بوده است. خدای باری تعالی به وسیله او دین
 پیامبرش را برپا داشت و نعمت خود را بر نیکان، تمام
 گردانید.

قرن دوازدهم

نودوسوم: شیخ حرّ عاملی

محمدبن حسن حرّ عاملی از نسل شهید روز طفّ و عاشورای حسینی حرّبن یزید ریاحی است. در این خاندان مجد و شرف و حرّیت؛ بزرگان دینی و استوانه‌های مذهبی و صرافان سخن و اندیشه‌وران و نابغه‌های کتابت و بیان و فقیهان و محدثان، فراوانند. مشهورترین آن‌ها در این مجموعه فضیلت‌ها، شیخ ما حرّ عاملی صاحب وسائل‌الشیعه است که مدار فقاہت و مبنای شریعت و محور احادیث اهل‌بیت است. شیخ در ۱۰۳۲ هـ دیده به جهان گشود و به سال ۱۱۰۴ هـ درگذشته است. علّامه امینی رحمته‌الله‌عنه بیست و پنج اثر علمی برای او یاد می‌کند و نمونه‌ای از اشعار وی را می‌آورد. تنها قصیده غدیریه او که علّامه امینی، شمّه‌ای از آن آورده است، دارای ۴۵۳ بیت است.

و أتت منه فی علی نصوص لم یحم حول ربعها الاحصاء

قال فيه فيه هذا وليّ، وصيّّ وارثی هکذا روی العلماء
 ثم یوم [الغدیر] هل كان أبا لک دون الأنام ذاک الولاء...
 از او درباره علی علیه السلام نصوصی آمده که از شمار بیروند.
 در حق او فرمود: این ولیّ، وصیّ و جانشین و وارث من
 است عالمان چنین روایت کرده‌اند. شما پنداشته‌اید که هیچ
 پیامبری برای خویشاوندان نزدیکش ارث باقی نمی‌گذارد؟!
 علی مولای هرکس است که پیامبر صلی الله علیه و آله مولای او بوده، مرء و
 هوس را رها کنید و به نصّ، چنان تعیینی صورت گرفته است
 و سپس دعایی مستجاب نمود، که خبرهای آن متواتر است.
 وانگهی ولای روز غدیر آیا جز برای او (علی) - و نه برای
 دیگران - بوده است؟

نودوپه(م): شیخ امد بلادی

احمدبن حاجی بلادی، عالمی فاضل و ادیبی از شاعران و
 مادحان و ستایشگران اهل بیت است. مرثیه‌های فراوان درباره
 آنان دارد. او تنها در رثای سبط شهید امام حسین علیه السلام هزار
 بیت قصیده دارد که در دو مجلد فراهم آمده است. او در
 اوائل قرن دوازده ه در گذشته است.

غدیریه:

... و نَسَتْ عهوداً بالحمی سلفت و لن تعباً بنصّ نبیها و نذیرها
 یا للرجال لامة ملعونة لم یکفها ما کان یوم غدیرها
 بسّ العصابة من بعت و تنکبت عن دینها و تسارعت لفتورها

(بنی امیه) پیمان‌های حمایتی را که در گذشته بسته شده بود، فراموش کردند و هرگز به نص و سخن صریح پیامبر و نذیر امت، اعتنا نکردند. چه نامردمانی از امت نفرین شده که ماجرای غدیر بر ایشان کفایت نکرد، و چه بد گروهی بودند که تجاوزگری و ستمکاری کردند و از دین اسلام برگشته و به فسق و فجور پیشین خود برگشتند.

نودوپنجم: شمس الأدب یمنی

احمد بن احمد حسنی آنسی یکی از اعیان یمن و ادیبان فاضل آن سرزمین، که از طرف حاکم، مبعوض شده و به سرزمین حبشه تبعید گردید. او به سال ۱۱۱۹ هـ در حبشه درگذشته است.

غذیره:

علی ذاک الغدیر غدیر دمعی جری من اجلهم بحراً اذیاً
 غدیر طاب لی ذکراه شوقاً الی من ذکره یروی الصدیاً
 غدیر قد قضی المختار فیہ ولایتہ و البسها علیاً...
 بر آن غدیر، غدیری که اشک من برای آن جاری است، و چون دریای پرموج و تلاطم می‌خروشد؛ یاد غدیر برای من شوق‌انگیز است، و مرا به یاد کسی می‌اندازد که تشنه را سیراب می‌کند. غدیری که پیامبر برگزیده خدا در آن، جامه

ولایت را بر اندام علی علیه السلام پوشاند و در میان مردم سخنرانی کرد و از وصی و جانشینش نام برد و او را امام امت نامید.

نودوششم: سیدعلی خان مدنی

صدرالدین سیدعلی خان مدنی شیرازی، از نسل زید شهید فرزند امام زین العابدین و از خاندانی بزرگوار است که خیمه‌های آن با ستون‌های علم، شرف و سیادت برافراشته و همچون درختی است که ریشه‌اش در اعماق زمین ثابت و شاخه‌های پرثمر آن به ژرفای آسمان‌ها قد برکشیده است، و هر زمان میوه‌ای دلخواه دهد. خاندان زید در حجاز و ایران تا به امروز خاندانی مفید و ثمربخش بوده‌اند.

شاعر ما از ذخایر روزگار و نیکان عالم و از نوابغ و مردان نیرومند جهان به حساب می‌آید. ملت مسلمان، به خصوص شیعه، می‌تواند به او و امثال او افتخار کند. شرح حال او را بسیاری از تراجم‌نگاران آورده‌اند. علامه امینی رحمته الله علیه به پانزده مورد اشاره دارد. علامه امینی رحمته الله علیه نوزده اثر از آثار علمی او نام برده و می‌نویسد: سید به سال ۱۰۵۲ هـ در مدینه دیده به جهان گشود و در سال ۱۱۲۰ هـ رخت از جهان فروبست. و مدت چهل و هشت سال در هند اقامت داشت. علامه امینی در الغدير بزرگ پاره‌ای از اشعار او را آورده است.

غديره:

و غدير خم و هو اعظمها من قال فيه ولاية الأمر
 و اذكر مباهلة النبي به و بزوجه و ابنيه للنفر
 و أقرأ و انفسنا و انفسكم فكفى بها فخراً مدى الدهر...
 و غديرخم بزرگ‌ترین مفاخر او است که در ولايت امر به
 او رسيد. ياد کن مباهله پيامبر ﷺ و به همراه او، همسر و دو
 فرزندش را با چند مسيحي.

و آيه «انفسنا و انفسكم» را بخوان، که در طول روزگار
 همين فخر بس است.

و در قصيده‌ای بآيه:

و هل لسواك بعد (غديرخم) نصيب في الخلافة او نصاب
 الم بجعلك مولا هم فذلّت على رغم هناك لك الرقاب...
 و آيا پس از ماجرای غديرخم بهره‌ای برای کسی جز تو
 در خلافت هست؟! آيا تو را مولا و رهبر آنان قرار نداد؟
 گرچه برخلاف ميل باطنی‌شان، گردن‌هاشان به زیر بار رفت.
 هيچ هاشمی، هرچند دارای حسب و نسب، در آن طمع
 نورزید. پس تيم يا عدی، که بود و نبودشان برابر است،
 کیستند؟ پس اگر آن‌ها حق تو را از روی شقاوت انکار
 کردند، بر اشقيا عذابی فراهم است و چقدر افکار سفیهانه که
 در برابر تو اظهار کردند لیکن تو مانند ماه شب چهارده بودی
 که سگان بر او عوعو کنند.

نودوهفتم: شیخ عبدالرضا مقری کاظمی

عبدالرضابن احمد از یگانه‌های دوران و علما و افاضل قرن دوازده هجری است، که دو فضیلت علم و ادب را درهم آمیخته است. دیوان او که به حروف تهجی ترتیب یافته، در ستایش ائمه علیهم‌السلام است. ما بر تعداد بالغ بر سه هزار و پانصد بیت وقوف یافته‌ایم. او در حدود سال ۱۱۲۰ ه فوت کرده است. علامه امینی رحمته‌الله شش غدیریه از او آورده است.

غدیریه:

۱- قاضاعا وصیة «یوم خم» بعلیّ وصیّ و هم شهداء...
وصیّت روز غدیر را ضایع کردند و حق علی را که همگان شاهد بودند، از بین بردند. آن ولایت از زبان روح‌الامین و از سوی خداوند تعالی، که همه نعمت‌ها از اوست، خطاب شد که ولایت علی را برسان و گرنه رسالت را به پایان نرسانده‌ای و خدا جلوی دشمنانت را می‌گیرد.

بعد از آنکه آفرین گفتند و اعتراف کردند، نص «الیوم اکملت لکم» آمد و تهنیت سزاواری بود. با این وجود گفتند احمد رضی‌الله‌تعالی‌عنه وصیتی نکرده چه دروغ و افترای بزرگی.

از سویی خود روایت کنند که هرکس بمیرد و وصیّت نکند مرگ او مرگ جاهلی خواهد بود. بیچاره‌ها به پیامبر نسبت جهل دادند و چیزی ادعا کردند که او نگفته بود و بهتان زدند.

اما یهود اگر با ما احتجاج (تاریخی) کنند چه پاسخی داریم.
آیا حیا نمی‌کنید؟

۲- آخاه طه یوم «خم» و قد أنزل فیہ، فیہ آیّ چهار...
محمد مصطفی طه، در روز غدیر خم که در آن روز در
حق او، آیاتی آشکار نازل گشت، او (علی) را برادر خود
خواند.

۳- و بخمّ بویعت اذ لیس الّا انت دون الوری لها من محقّ...
در غدیر خمّ با تو (علی) بیعت شد، نه با دیگری؛ که کسی
جز تو صاحب حق نبود و نصّ آیه اکمال دین نازل شد.

۴- و بیوم «خمّ» خبر الغیاب عن تأمیره فی البیعة الأشهاد...
و در روز غدیر خمّ خدای عالم الغیب از امارت و امامت او
خبر داد و هنگام بیعت، گواهان حاضر بودند که فرمود: هر که
را من مولای او بوده‌ام، حیدر برای او مولا است و هر کس در
حق وصی نیرنگ به کار برد خود را فریفته است.

۵- و کفی علیاً (فی الغدیر) فضیلة یاتی الیها غیره یتوصل...
فضیلت روز غدیر خمّ علی علیه السلام را بس است؛ هر چند که
دیگری خواست به آن برسد.

وحی آمد ای رسول برسان آنچه را که در حق حیدر آمده.
آن‌گاه در میان اصحاب ایستاد. در حالی که دست چپ علی
حیدر، در دست راست پیامبر بود و با صدای بلند و رسا اعلام

کرد هر که را من مولا بوده‌ام حیدر برای او مولا و امام است.
 مبدا عوض کنید و دگرگونی ایجاد نمایید.
 ۶- حیدر الکرار ازکی ناعل من بنی آدم او حاف مشی
 لم یدن للآت یوماً قط بل عبدالله و بالتقوی نشا...
 حیدر کرار پاک‌ترین بنی آدم است که در روی زمین گام
 نهاده‌اند. هرگز به بت لات نزدیک هم نشد؛ بلکه خدا را
 پرستید و باتقوا، نشو و نما یافت.

نودو هشت: علم الهدی ممد

محمد بن مولا محمد محسن کاشانی از خاندان با علم و
 فضیلت است که فضایل موروث و مکتسب را در خود جمع
 کرده و پا در جای پای پدر که خود فقیه و دانش مردی
 سترگ بود، گذاشت و خلف صالح او شد.
 علامه امینی رحمته الله علیه در الغدير بزرگ ده اثر از او یاد کرده
 است. تاریخ ولادت و وفات او مشخص نیست.
 قصیده او بیش از ۱۵۱ بیت است؛ از آن جمله ابیات ذیل
 است:

الهی بحق الرسول الامین	جسیم الایادی علی العالمین
بحق الوصی اخیه السری	بمجد سنی و عز علی
وصی الرسول بامر حکیم	اتی من لدنک بلطف عمیم
ولی الانام بنص الغدير	امیر الکرام و نعم الامیر:

الهی به حق محمد امین رسول گرامی که توش و توان
 بزرگ او بر عالمیان، ثابت است. الهی به حق وصی و برادر
 جوانمردش، باشکوه درخشان و عزت بلند و والا.
 همان که وصیت او به لطف همگانی با فرمان قاطع از
 ناحیه تو آمد.
 و به نص غدیر، امام و پیشوا گردید و چه امیر بزرگواری.

نودونهم: شیخ علی عاملی

او از رجال جبل عامل و ساکن در عراق بوده و به علم و ادب
 و فضل موصوف است. او در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام
 قصیده‌های طولانی دارد، از جمله قصیده‌ای که برخی ابیات آن
 به قرار زیر است:

و قال فی یوم «خَم» حین قال له جبریل بلغ مقالاً غیره مردود
 من کنت مولاہ حقاً فالوصی له مولی علی شاهد منہم و مشہود...
 و روز غدیرخَم هنگامی که جبرئیل به محمد گفت
 برسان...

سخنی، که جای هیچ ردشدنی نیست. هرکه را من مولا
 بوده‌ام درحقیقت، او وصی و مولا است. این را حاضرین به
 غایبین برسانند.

یکصد: ملا مسیمای فسوی

ملا محمد مسیح مشهور به مسیحا اهل فسای فارس است که در آثار فارسی تخلص به معنی و در عربی تخلص به مسیح می‌کرد. او دانشمندی بود که بر علوم مختلف، فلسفه، حکمت، ادب، شعر، خطابه و نویسندگی احاطه داشته که او را ستوده‌اند.

نامبرده در سال ۱۰۳۷ هـ متولد شده و ۱۱۲۷ هـ وفات یافته است. برخی ابیات قصیده شیوای او به قرار ذیل است.

من کان نصّ رسول الله عینہ لامرّة الشرع تبلیغاً بالاعلان
آنکه نص رسول الله ﷺ او را به عنوان امیر و پیشوای
شریعت تعیین کرد و آشکارا بیان فرمود: برسان و گرنه بدان
که حق رسالت را ادا نکرده‌ای...

این قصیده بالغ بر ۵۹ بیت است، و از قصاید زیبایی
غدیریه‌ها به شمار است.

یکصدویکم: ابن بشاره غروی

ابوالرضا شیخ محمدعلی یگانه‌ای بوده در فنون شعر و ادب و
نابغه‌ای در میدان فضایل. ابیاتی از غدیریه او به شرح ذیل
است.

غدیریه:

... بغدیرخمّ للولایة حازها حقا و لیس بممکن انکارها

نهج البلاغه من جواهر لفظه فیه العلوم تبنیت اسرارها...
 من ثناگوی حیدر هستم، آن پارسائی که فخر ماسوی، و
 درهم کوبنده دژهای کفر است.

داماد پیامبر، پدر امامان و بهترینشان که خلافت با او
 ارزش یافت. در غدیرختم ولایت را صاحب شد و برای او
 حقی بود، انکارناشدنی.

نهج البلاغه گوهره‌های لفظ اوست که در آن اسرار دانش‌ها
 بیان شده است. ابن بشاره در سال ۱۱۳۸ هـ وفات یافته است.

یکمدهم: شیخ ابراهیم بلادی

ابوالریاض ابراهیم فرزند علی بحرانی. یکی از سرشناسان و
 علمای بحرین است به شعر موصوف است. در قصیده‌ای
 بیست و اند بیتی سروده است:

و اشهد انه ولی علیاً ولی الله للدين اهتماما
 و صیره الخلیفه یوم «خم» بامر الله عهداً و التزاما...
 و گواهی می‌دهم که پیامبر خدا علی علیه السلام را با اهتمام تمام،
 ولی و پیشوا قرار داد و روز غدیرختم به امر و فرمان الهی
 تعهد و التزام گرفت و او را به روز غدیرختم، جانشین خود
 اعلام کرد.

و به وحی الهی او را با لقب امیرالمومنین ملقب ساخت...

یکصد و سوم: شیخ ابومحمد شویکی

ابومحمد عبدالله خطی از شاگردان شیخ ابراهیم بلادی است که در هنر، ادبیات، شعر، سرایش فراوان و تقنن در آن، بهره‌ای فراوان داشت، هرچند که شعر او در حدّ متوسط است. نامبرده کتابی در احوال امام معصوم دارد و دیوان اشعارش به نام «جواهر نظام» و دیوانی دیگر، در رثای سادات که از همان دیوان استخراج شده است. او نیز چندین قصیده غدیریه دارد.

- ۱- حیدر الکرام مقدم الوری شامخ القدر علیّ ذی المعالی
 ثابت النصّ من الله و من احمد المختار محمود الفعال
 من له المختار و اخی فی الوردی مرغماً اعدائه اهل الضلال
 حجة الله بنصّ ثابت یوم «خمّ» فهو من الاله وال
- حیدر کرار، پیشرو همه، دارای قدر و منزلتی والا، علی مرتضی صاحب رتبه بالا، همان کسی که از ناحیه خدا و رسول مختار او که ستوده کردار است. نصّ در حق او ثابت است. حضرت محمد ﷺ در میان آن همه اصحاب، تنها او را برادر خویش خواند و بینی بدخواهان را بر خاک مالید و او در (غدیرخم) به نصّ گفتار رسول الله و به وحی الهی، حجت خدا گردید. پس دوستدار او را دوست باش.
- ۲- «یوم الغدیر» به کمال الدین و متم نعمه خالقی و معینی...

روز غدیر روز کمال دین و تمامیت نعمت خالق و مددکار من است. خدا را چه روز بزرگی! عید بودن آن در دین محمد امین، نیک ثابت است. روزی که خدا اسلام را بعنوان آیین برای مردم پسندید و آن را تأیید و تثبیت فرمود.

۳- فواخاه من امر الاله و خصّه بفاطمه ام الهداة الفراقده
وصیره من امر خالقه له اماماً «بخم» مرغما انف حاسد...

پس به فرمان خدا او را برادر خویش خواند و فاطمه مادر هادیان راهنما را به وی مخصوص ساخت و در (غدیرخم) به امر خدا به رخم حضور حاسدان و بدخواهان، او را امام و جانشین خود گردانید و با سخن صریح امامت و خلافت او و فرزندان او را بیان کرد. چه نیک فرزندان او را پدرشان بودند.

۴- وارتضاه الامام فی یوم «خم» فهو للخصم قاطع اوصاله
و در روز غدیر اعلام خشنودی فرمود که او (علی) امام و جانشین است و او ریشه دشمن را می‌کند.

این شاعر غدیریه‌هایی دیگر دارد که به نمونه‌های مزبور، اکتفا شد.

یکصد و چهارم: سیدمسین رضوی

امیر رشیدالدین سید حسین رضوی هندی نجفی، یگانه دوران که دانش خود را با ادب بالا، همراه کرده و نابغه‌ای است که اصالت نسب را با فضایل مکتسب آراست. پدرش او را به

نجف آورد و او در آن محیط مقدس و دانش، بالید. او به سال ۱۱۵۶ هـ در کربلا وفات یافت.

غديریه‌ها و مدایع او:

سید رضوی در یک قصیده ۱۴۳ بيتی گوید:
 صنو النبي اميرالمومنين ابوالسبتين باب العلوم المرتضى الشيم
 و فيه جاء من المختار منقبة «من كنت مولاه» فهو الحق فاعتصم
 اميرالمؤمنان داماد و پسرعموی پیامبر ﷺ پدر دو سبط
 (حسن و حسين) دروازه دانش‌ها همان علی مرتضای گزیده
 خصال، که منقب بزرگ «من كنت مولاه» از سوی رسول مختار
 درباره ی او است. پس به دامن وی چنگ یزن که او بر حق
 است.

علامه امینی رحمته الله نمونه اشعار او را در مدح علی عليه السلام آورده
 است و در تاریخ حیات او به اعیان الشیعه ارجاع داده است.^۱

یکصد و پنجم: سید بدرالدین ممد بن مسین

از نیکان کشور یمن و عالمان برجسته آن سرزمین است که در
 دانش‌های کلام، پزشکی، ادبیات و شعر دستی بلند دارد و
 دارای تألیفاتی است.

او در سال ۱۰۶۲ هـ به دنیا آمده است. علامه امینی رحمته الله
 تاریخ وفات او را درج نکرده است.

۱. سید محسن امین، اعیان الشیعه ۲۶/۴۶-۵۷.

غديره:

فیه الامام الوصی حیدرة مولى البرایا و من له الشرف
 فیه اخوه و من فداه على فراشه ان روّوا و ان حرفوا
 فیه الذی فی «الغدير» عینہ و بخبخ القوم فیه و اعترفوا:
 در آن جا (نجف) امام و جانشین رسول ﷺ، حیدر و
 مولای مردم و کسی که دارای شرف و عزّت است آرمیده. در
 آنجا برادر اوست، آن کسی که با خوابیدن در رختخواب وی
 جان نثاری کرد. هر چند بدخواهان آن روایت را تحریف
 کرده‌اند. در آنجا کسی است که پیامبر ﷺ در روز غدیر او را
 به‌عنوان خلیفه و جانشین تعیین فرمود و آن قوم آفرین گفتند
 و بدان اقرار کردند.